

مانور نظامی آمریکادر عمان تهدید مستقیمی است علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

در این هفته مانور نظامی ارتش آمریکا در خاک عمان آغاز میشود. واحدهائی از سپاه واکنش سریع که در این مانور شرکت خواهند داشت وارد خاک عمان شدهاند. اجرای این مانورها بمدت دو ماه ادامه خواهد داشت. علاوه بر واحدهای «سپاه واکنش سریع» واحدهائی از نیروی دریایی و هوائی آمریکا که در منطقه خلیج فارس مستقر هستند در این مانورها شرکت خواهند داشت. با توجه به موقعیت جغرافیائی و استراتژیکی عمان در این منطقه، انجام این مانور نظامی در خاک آن کشور در حقیقت عبارتست از تمرین و آزمایش عملیات نظامی با هدف پیاده کردن نیرو و اشغال نظامی در کشورهای منطقه است. پس از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی در ایران

و نیز پیروزی انقلاب در افغانستان، امریالیسم آمریکا مسئله گروگانگیری در ایران و رویدادهای افغانستان را برای گسترش حضور نظامی و افزایش و تقویت پایگاههای نظامی دریائی و هوائی خود، در این منطقه مستمسک قرارداد وطنی دوسال اخیر بزرگترین نیروی هوائی و دریائی خود را در سراسر این منطقه یعنی اقیانوس هند، خلیج فارس و کشورهای مجاور با ایران مستقر نمود. علاوه بر این پایگاههای نظامی آمریکا در خاک آن کشورهای این منطقه که وابسته به آمریکا بودند گسترش یافت و پایگاههای نظامی جدیدی تاسیس گردید. تمام تاسیسات و پایگاههای نظامی مصر، عربستان سعودی، اردن و عمان در اختیار آمریکا قرار گرفت.

بقیه در صفحه ۴

نامه
مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۵۱
دو دنبه ۳ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۱۷ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵۰۴ ریال

(درباره مصاحبه آقای نعمتزاده،
وزیر صنایع و معادن)

تأمین استقلال اقتصادی کشور تنها با ایجاد صنایع بزرگ و سنگین امکان پذیر است

سئوالاتی که در ارتباط با مصاحبه وزیر صنایع و معادن مطرح می شود

مصاحبه های آقای نعمتزاده وزیر صنایع و معادن، که متن آنها در روزنامه «اطلاعات» به تاریخ های ۱۶ و ۱۹ بهمن ماه چاپ شده، مصاحبه های مهمی است. اهمیت ویژه این مصاحبه ها در آنست که آقای نعمتزاده، با توضیح بیشتری نسبت به گذشته، پیرامون سیاست اقتصادی و، هسته مرکزی آن، سیاست صنعتی کردن کشور، اظهار نظر می کند و به سئوالاتی که در این زمینه مطرح است، با صراحت بیشتری پاسخ می دهد.

عنده سئوالی که بویژه پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مطرح است و حتی می توان گفت که تأمین استقلال اقتصادی و سیاسی ما تا حد زیادی به دادن پاسخ صحیح به این سئوال پسته است، اینست که: تکلیف صنایع مادر و سنگین، که شامل صنایع ذوب فلزات، ماشین سازی، نفت، پتروشیمی، انرژی و نظایر آن می- گردد، چیست؟

بعلاوه، این سئوال مطرح است که: سیاست اقتصادی دولت انقلاب در امر تأمین استقلال اقتصادی و خود کفائی نسبی چیست؟ آیا صنعتی کردن - به معنی واقعی کلمه - یعنی پرداختن به ایجاد صنایع مادر و سنگین تولید کننده وسائل تولید مطرح است، یا اینکه توسعه صنایع کوچک و تولید کالاهای مصرفی، که در گذشته نیز موجبات وابستگی بیشتر اقتصاد ایران را بخارج فراهم آورده، مورد توجه است؟

حزب توده ایران به مسئله مرکزی سیاست اقتصادی چگونه پاسخ می دهد؟

به سئوال فوق، حزب توده ایران پاسخ صریح و روشن داده است. حزب ما، از همان اوان تشکیل خود، با منعکس ساختن خواست مردم ایران، به طرح این مسئله اساسی پرداخته است که، تأمین استقلال اقتصادی ایران و پائمال تضمین و تحکیم استقلال سیاسی کشور، در گرو ایجاد صنایع سنگین مادر و ماشین سازی و پرداختن به تولید وسائل تولید در داخل کشور است.

تحت فشار مبارزات مردم و نیروهای انقلابی، از جمله حزب توده ایران، علیه سیاست اقتصادی رژیم پهلوی در ربع قرن گذشته بود که، بهر حال، رژیم پهلوی، از اواسط سالهای ۱۳۴۰، به برخی سرمایه گذاریها در ایجاد صنایع سنگین و ماشین سازی، تن در داد. چنانکه می دانیم، در ایجاد این صنایع فقط کشورهای سوسیالیستی و در راس آنها اتحاد شوروی بودند، که به ایران کمک کردند.

لیکن رژیم منط گذشته، بعلت وابستگی که به دول امپریالیستی، بویژه امپریالیسم آمریکا داشت، تن به اجرای سیاست واقعی ایجاد صنایع سنگین مادر و ماشین سازی نداد. رژیم پهلوی بویژه از تعقیب هدف تولید وسائل تولید در داخل کشور، با وجود امکانات عظیم مالی که در اختیار داشت، طفره رفت. سیاست اقتصادی رژیم شاه همان سیاست وابستگی اقتصادی، در تمام ابعاد آن، باقی ماند. در نتیجه، برنامه های ایجاد صنایع سنگین مادر و ماشین سازی یا نیم کاره ماند - مانند ذوب آهن اصفهان و ماشین سازی اراک و تبریز - یا به اجرا در نیامد - مانند طرحهای ایجاد صنایع سنگین مادر و ماشین سازی در اسفراین و کرمان - و یا تقییر جهت داد و بصورت صنایع مونتاز درآمد - مانند تراکتور سازی تبریز.

پس از کک فنی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی در اواسط دهه ۱۳۴۰ برای ایجاد صنایع ذوب آهن و ماشین سازی در ایران، دول امپریالیستی نیز مجبور به تغییر سیاست اقتصادی خود در مورد ایران شدند. از این اجبار می شد برای توسعه صنایع سنگین و ماشین سازی در ایران استفاده کرد، لیکن رژیم وابسته درست بکس عمل کرد. رژیم وابسته با باز گذاشتن دست دول امپریالیستی در تعیین سیاست های اقتصادی در ایران، اصل ایجاد صنایع سنگین و ماشین سازی، یعنی اصل تولید وسائل تولید در داخل کشور را مسخ نمود و سیاست صنعتی کردن کاذب و سیاست مونتاز و تولید کالاهای مصرفی لوکس را جانشین آن کرد.

صنعتی نشدن کشور، یکی از انگیزه های اساسی انقلاب بود

یکی از انگیزه های عظیم انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران، اعتراض به سیاست اقتصادی رژیم دست نشانده محمد رضای خان بود. مردم ایران، بویژه پس از افزایش جهشی درآمدهای نفت، می خواستند سیاست صنعتی کردن کشور به معنی واقعی کلمه به اجرا در آید. ولی رژیم سرسپرده پهلوی علنا از اختصاص درآمدهای نفت به اینکار امتناع داشت، و برعکس این درآمدها را به خریدهای سنگین نظامی و کالاهای مصرفی لوکس و سرمایه گذاری در صنایع

بقیه در صفحه ۴

پیام شادباش

کمیته مرکزی حزب توده ایران
به نمایندگان بیست و ششمین کنگره
حزب کمونیست اتحاد شوروی

صفحه ۶

تظاهرات دانشجویان عراقی
و دانشجویان توده ای
علیه رژیم صدام حسین در لندن

✱ پلیس لندن در مقابل ضرب و جرح دانشجویان توسط چاقو کشان عراقی، سکوت کرد.

در تاریخ ۲ اسفندماه ۵۹، تظاهراتی در اعتراض به سیاست اختناق و تجاوز رژیم جنایتکار صدام حسین در مقابل سفارت عراق در لندن برگزار شد، که در آن دانشجویان عراقی و هواداران حزب کمونیست عراق و نیز دانشجویان هوادار حزب توده ایران شرکت کردند. تظاهرات در کمال نظم و آرامش برگزار شد. در این هنگام تعدادی عراقی با چاقو از سفارت عراق خارج شدند و به تظاهر کنندگان حمله کردند. در این

دشمن آمار دقیقی در دست نیست. از نیروهای خودی هشت نفر سر مجروح شده اند. شهر آبادان نیز ۱۶ نفر از برادران غیر نظامی هموطن ما و یک نفر پلیس مجروح داشته است. رزمندگان نیروی دریائی در جبهه خونین شهر با اجرای آتش خمپاره بر روی مواضع دشمن ضمن انهدام تعدادی از مواضع و سنگرهای عراقی در غرب خونین - شهر تلفاتی به آنان وارد ساختند،

در صفحات بعد

مذاکره داریم تا مذاکره

پروتکل مذاکرات محرمانه دولت موقت با برژینسکی را منتشر کنید

صفحه ۳

صفحه دهقانی

ویژه هیئت های ۷ نفری

صفحه ۵

کارخانه ها باید از وجود ضد انقلاب کارگر نما پاکسازی شوند

صفحه ۴

هشدار به مسئولین جمهوری اسلامی ایران:

پاره های از مسئولین سازمان گسترش و نوسازی با انقلاب سر آشتی ندارند

صفحه ۶

بر اساس اطلاعیه ۶۱۲ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران:

قسمتی از مواضع عراق در غرب خونین شهر منهدم شد

رزمندگان انقلاب در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی، ضربات جدیدی بر آنان وارد آوردند. در اطلاعیه شماره ۶۱۲ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، درباره عملیات رزمندگان مسلح انقلاب از جمله آمده است:

در اکثر جبهه های غرب تبادل آتش توپخانه و سلاحهای سنگین بین نیروهای خودی و نیروهای دشمن وجود داشت و شدت آتش

در جبهه های میمک بیشتر بوده است. بر اثر آتش رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در یکی از این جبهه ها یک تانک دشمن منهدم و به یک تانک دیگر آسیبی کلی وارد شد و در جبهه دیگری یک انبار مهمات نیروهای عراقی به آتش کشیده و منهدم شد. جانبازان نیروی مخصوص نیروی زمینی، در ساعت ۱۴ روز سیام بهمن، در یکی از جبهه های

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا در شهر منهدم شد

تأمین استقلال اقتصادی کشور...

بقیه از صفحه ۹

موتاز و خطوط ارتباطی و مواصلاتی، که بسود امپریالیستها و بازار جهانی امپریالیستی بود، اختصاص داد.

طبیعی است که در برابر چنین رژیمی، چاره منحصر بفرد این بود که آن رژیم سرنگون گردد و با پیروزی انقلاب، رژیمی روی کار آید که، ضمن توجه به مسائل دیگر، مسئله اساسی ایجاد صنایع سنگین مادر و ماشینسازی، یعنی پرداختن به تولید وسائل تولید در داخل کشور را مسئله مرکزی سیاست اقتصادی خود قرار دهد.

انقلاب پیروزمند ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، به محروم داشتن ایران از اجرای سیاست مستقل صنعتی کردن کشور، که ایجاد صنایع سنگین و ماشینسازی هسته مرکزی آن را تشکیل میدهد، پایان داد. پیروزی انقلاب، با برخوردار ساختن دولت انقلاب از استقلال سیاسی، به آن امکان میدهد که سیاست اقتصادی مبتنی بر تولید وسائل تولید در داخل کشور و صنعتی کردن اقتصاد ایران به معنی واقعی کلمه را به اجرا بگذارد.

همه مطالبی که به آنها اشاره کردیم، روشن و به یک معنی، توضیح واضح است. یعنی اینکه مردم آگاه و انقلابی ایران به درستی می دانند که، اولاً یکی از سیاست های امپریالیستی گذشته جلوگیری از ایجاد صنایع سنگین مادر و ماشینسازی در ایران بوده، که به وابستگی اقتصادی و از دست رفتن استقلال سیاسی انجامیده است. ثانیاً، پس از پیروزی انقلاب، مسئله اساسی و مرکزی سیاست اقتصادی دولت باید متوجه احیاء و توسعه سریع صنایع سنگین مادر و ماشینسازی و اجرای سیاست اقتصادی تولید وسائل تولید در داخل کشور باشد، تا هر چه سریعتر استقلال سیاسی، که در جریان انقلاب تحصیل شده، بر پایه استقلال اقتصادی، تحکیم گردد و پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ایران و نیل به هدف های عالی آن تأمین و تضمین شود. بویژه باید خاطر نشان ساخت که، در بررسی اوضاع گذشته، مردم ایران هیچ وجه عقیده ندارند که اقدام به سرمایه گذاری - هر چند محدود - در صنایع سنگین مادر و ماشینسازی، کار نادرستی بوده است. بعکس، عقیده مردم اینست که، آن رژیم، بعلت وابستگی و سرسپردگی، در این امر مهم خیانت کرده، و از ایجاد و توسعه صنایع سنگین و ماشینسازی، چنانکه باید و شاید و چنانکه امکانات مالی ایران اجازه میداده، بدستور دول امپریالیستی و بخاطر تأمین منافع آنان و سرمایه داری وابسته، خودداری کرده است.

ارزیابی وزیر صنایع و معادن از سیاست صنعتی کردن درگذشته

با چنین توضیحاتی، وقتی آقای نعمت زاده، وزیر صنایع و معادن، در مصاحبه خود، بطور کلی سرمایه گذاری در ایجاد صنایع و معادن را در گذشته مردود می شمارد و وجود صنایع سنگین مادر و ماشینسازی را باری پر دوش دولت انقلاب می داند و اظهار می دارد:

«بهر حال ما اینها را به ارث برده ایم. اگر خودمان می خواستیم برنامه ریزی کنیم، یقیناً بجای این کار، از جایی شروع می کردیم که تکنولوژی اش برایمان آشنا بود. از کوچک شروع می کردیم و بتدریج خودمان را کاملتر و مدرن تر می کردیم.» موجب تأسف و تعجب است. این برخورد نشان میدهد که مسئله مرکزی سیاست اقتصادی، که تأمین استقلال اقتصادی کشور در گرو اجرای آنست، مناسفانه برای مسئولین ناشناخته است. بعلاوه اصولاً استنتاجات آقای نعمت زاده از سیاست اقتصادی رژیم گذشته اشتباه آمیز و حتی عملاً تیره کننده آنست.

چنانکه گفتیم، در زمینه سیاست اقتصادی، خیانت رژیم شاه و سرمایه داری وابسته آن بود که، به ایجاد واقعی صنایع سنگین و مادر نپرداخت، از استفاده از امکانات بین المللی و داخلی (درآمدهای عظیم نفت) امتناع کرد و جز مبلغ ناچیز در صنایع سنگین سرمایه گذاری نکرد. ولی ادعای آقای نعمت زاده، وزیر صنایع و معادن، اینست که:

«رژیم گذشته تلاش وسیعی برای پایه گذاری صنایع سنگین و مادر داشت... و در گذشته این حالت بلند پروازانه بود.»

درست بعکس این ادعا، رژیم ننگین پهلوی پدر و پسر، تا آنجا که در توان داشتند، بدستور دول امپریالیستی، با ایجاد صنایع سنگین و مادر در کشور ما مخالفت کردند. آنچه در این زمینه صورت گرفت - که کار بسیار اندکی است - علیرغم میل آنان و در نتیجه مبارزه مردم و نیروهای انقلابی و خواستهای عینی رشد اقتصادی در خود کشور بود. در مدت ربع قرن تسلط رژیم کودتا بر ایران، کشورهای زیادی در جهان از وضع کشور دارای تولید عقب مانده کشاورزی خارج شدند، به صورت کشور دارای صنایع سنگین و مادر درآمدند و، به معنی واقعی کلمه، صاحب اقتصاد مستقل صنعتی - کشاورزی شدند. این کشورها حتی فاقد درآمد نفت و امکانات مشابه آن در ایران بودند. لیکن کشور ما همچنان در عقب ماندگی کامل باقی نگاه داشته شد و با وجود دارا بودن صدها میلیارد دلار درآمد نفت، جز چند واحد صنعتی نیمه تمام، مانند ذوب آهن و ماشینسازی، که آن نیز به بن بکت، کمکهای فنی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی ایجاد شد، صنعت مادر و سنگین دیگری در ایران ایجاد نشد. چگونه می توان سیاست آگاهانه جلوگیری از رشد صنایع سنگین و مادر را، که رژیم گذشته، بدستور امپریالیسم، بسر کردگی آمریکا، به اجرا گذاشت، تا کشور ما را در عقب ماندگی و وابستگی کامل نگاه دارد، «تلاش وسیعی برای پایه گذاری صنایع سنگین و مادر...» نامید، این سئوالی است که آقای نعمت زاده باید آن را روشن کند.

وزیر صنایع و معادن پرداختن به صنایع کلیدی را هسته مرکزی سیاست اقتصادی تلقی نمی کند

لیکن تنها در ارزیابی گذشته نیست که سخنان وزیر صنایع و معادن، در زمینه ارزیابی از سیاست اقتصادی، ایجاد نگرانی و تعجب می کند. در آنچه که مربوط به وظایف کنونی وزارتخانه ای نظیر صنایع و معادن است، نیز اظهارات آقای نعمت زاده جای حرف بسیار باقی می گذارد.

قبل از همه اینکه، ایشان سرمایه گذاری در صنایع سنگین و مادر را «عریض» تلقی می کنند و اظهار می دارند که بهر جهت «چاره ای جز تکمیل شان نداریم...» اگر به قسمت قبلی صحبت ایشان، که می گویند: «اگر ما بودیم، از کوچک شروع می کردیم» (و ما قبلاً به آن اشاره کردیم)، برگردیم، اینطور تداعی بذهن می شود که، اصولاً وزیر صنایع و معادن به مسئله پرداختن به صنایع بزرگ و سنگین، بعنوان هسته مرکزی سیاست دولت انقلاب اعتقادی ندارد. بنظر ایشان نه به صنایع سنگین و مادر، که به صنایع کوچک باید پرداخت، آنهم در کشور و در شرایطی که به اعتراف خود ایشان - تنها در یک واحد صنعتی نظیر تراکتورسازی تبریز، «یک ریخته گری ۲۰ هزار تنی و نیمه گاره داریم، که اگر راه بیافتد، هم می تواند موتور تراکتور بسازد و هم موتور بعضی اتومبیل های سواری را...»

در اینجا باید گفت که، وزیر صنایع و معادن، در حالیکه به عظیم بودن اقتصاد صنعتی ایران در شرایط حاضر اعتراف می کند و متذکر می شود که: «صنعت ما مجموعه ای است از نظر سرمایه گذاری بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان، حدود بیش از دو میلیون نفر جمعیت و نزدیک به ۴۰ هزار مدیر»، در همان حال متأسفانه کلید اداره درست این صنایع را بدست نیاورده است. وزیر صنایع و معادن، بجای آنکه از «تفکات» صنایع کنونی ایران بدرستی چنین نتیجه گیری کند که، باید به جلو حرکت کرد و با تکیه بر ایجاد صنایع سنگین و مادر و در اولویت قراردادن پیشرفت سریع آن، موجبات تأمین استقلال اقتصادی را هر چه زودتر فراهم آورد، در برابر این باصطلاح مشکل، بعلت «صلابت خاصی» آن، جاخالی می کند و با این اظهار که: «بنابراین تغییر این نظام بزرگ پیچیده در کوتاه مدت خیلی مشکل است. صلابت خاصی دارد...» به صنایع کوچک رو می آورد! وی مدیران صنایع بزرگ را بحال خود می گذارد و به آنها چنین خطاب می کند:

«توصیه ما در شرایط فعلی به مدیران مان اینست که... تا آنجا که می توانید، صرفه جویی نکنند...» و «ببینند اگر دروازه های مملکت صددردصد بسته باشد، چه می توانند بکنند، تا بتوانند روی پای خودشان بایستند.»

چنانکه دیده میشود، از جانب آقای نعمت زاده، عملاً حکم متوقف ساختن صنایع بزرگ به مدیران توصیه شده است، زیرا وقتی دروازه های مملکت روی صنایع بزرگ، که محققاً احتیاج به سه تکنولوژی دارند، «صددردصد» بسته باشد، آنها چه می توانند بکنند جز اینکه این صنایع را متوقف سازند و حکم نابودی این صنایع را صادر کنند!

بدینسان، گرچه جای تأسف و تعجب فراوان دارد، اما دیده می شود که وزیر صنایع و معادن، که درست وظیفه وی تأمین پیشرفت سریع صنعت در ایران پس از انقلاب، آنهم با بذل توجه عمده به پیشرفت صنایع سنگین و مادر است، با مصاحبه های خود، عملاً بدستور توقف این صنایع را صادر می کند و توجه به صنایع کوچک را مسئله اساسی قلمداد می نماید.

صنایع کوچک، چنانکه می دانیم، در حیطه فعالیت بخش خصوصی است و صنایع بزرگ در حیطه فعالیت بخش دولتی.

مانور نظامی آمریکا...

بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم آمریکا در عمان، سومالی و کنیا پایگاه های نظامی هوایی و دریایی جدیدی تاسیس نمود، طبق نقشه های وزارت امور خارجه و وزارت دفاع آمریکا مسئله تشکیل پیمان نظامی از کشورهای این منطقه مطرح گردید و همکاری های نظامی میان رژیم های ضد خلقی و وابسته مانند عربستان سعودی، اردن، عمان، مصر و پاکستان گسترش یافت. طبیعی است که همه این اقدامات سیاسی و نظامی تهدید مستقیمی است علیه جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو جبهه پایداری و یکی از عمده ترین هدف های آن جلوگیری از رشد و گسترش جنبش های رهایی بخش خلقها در این منطقه است. با توجه به اظهارات مقامات رسمی آمریکا در مورد سیاست خارجی و استراتژی سیاسی - نظامی آمریکا مانور نظامی آمریکا در عمان پدیده خطرناک و جدیدی است که میتواند پیمان های یک درگیری مسلحانه گسترده در این منطقه را دربر داشته باشد. کارتری رئیس جمهور پیشین آمریکا دکتر نیکسون را در سیاست خارجی آمریکا اعلام نمود که بموجب آن بسیاری از مناطق جهان بویژه آن مناطقی که از لحاظ منابع انرژی و یا موقعیت استراتژیکی اهمیت دارند در حرم امنیت منافع آمریکا بشمار می روند، و در صورتیکه خطری این حرم امنیت منافع

آمریکه را تهدید کند، دولت آمریکا «حق دارد» پانزده سلاح از آن ها دفاع نماید. از سوی دیگر کارشناسان نظامی آمریکا نظریه «جنگ هسته ای محدود» را بمیان کشیده و بدولت آمریکا توصیه کردند که در درگیری های منطقه ای میتوان از سلاح هسته ای استفاده نمود. (منظور از درگیری - های منطقه ای سرکوب انقلابها و جنبش های رهایی بخش ملی در مناطق مختلف جهان است.) از سوی دیگر ریکان رئیس جمهور جدید آمریکا در نخستین روزهای رسیدن به مقام ریاست جمهوری، جنبش های رهایی بخش خلقها را عملیات «تروریستی» نامید و اتحاد شوروی را که به این جنبشها کمک میکند به پشتیبانی از «تروریسم بین المللی» متهم نمود. بدین ترتیب با اعلام یک چنین مواضعی از جانب مقامات رسمی دولت آمریکا در مورد برخورد دولت آمریکا با استقلال کشورها و خلقها و جنبش های رهایی بخش در مناطق مختلف جهان - از خاورمیانه تا آمریکای مرکزی - مشاهده میشود که امپریالیسم آمریکا تجاوز نظامی و مداخله مسلحانه را بعنوان سیاست رسمی دولت اعلام نموده و آنرا عملی میسازد.

مانور نظامی ارتش آمریکا در عمان، بر زمینه چنین اقداماتی، آشکارا عمل تحریک آمیز و ماجراجویانه ایست علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران. در این صورت مقامات رسمی و ارگانهای مسئول جمهوری اسلامی ایران موظفند نسبت به اقدامات ماجراجویانه امپریالیسم آمریکا واکنش جدی نمایند و از همه طرق از جمله روابط و سازمانهای بین المللی و ایجاد هماهنگی با کشورهای عضو جبهه پایداری و بیان اعتراضات رسمی دولت، با قاطعیت، این اقدامات را محکوم و خواستار قطع آنان شوند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسعه سریع بخش دولتی را مقرر میدارد. و برای بخش خصوصی، در نظام اقتصادی پس از انقلاب، نقش گفتمانی و فرعی قائل است. لیکن، چنانکه از مصاحبه وزیر صنایع و معادن مستفاد می شود، ایشان توجه به صنایع کوچک، یعنی به بخش خصوصی را در اولویت قرار می دهند و در این زمینه توصیه های جالبی هم ارائه می دهند. از جمله آنکه، ایشان اقدام ستادسیج اقتصادی را برای تأمین مواد اولیه کارخانجات، کار درستی نمیدانند و معتقدند که در این کار باید «دولت تنها چینه نظارت داشته باشد» و «کارگاه های کوچک... مواد اولیه مورد نیازشان را وارد و مستقیماً بین تولید کنندگان آن رشته توزیع کنند» که همه و همه به معنی حمایت یک جانبه از بخش خصوصی به زیان بخش دولتی است.

آنجا که مسئله صنایع بزرگ سنگین و مادر، یعنی صنایع دولتی مطرح است، آقای وزیر صنایع و معادن به مدیران توصیه «صرفه جویی» می کند و می گوید که مدیران کار خودشان را بر این اساس که «دروازه های مملکت صد درصد بسته باشد» تنظیم کنند. اما آنجا که پای بخش خصوصی در میان است، ایشان آزادی کامل برای واردات این بخش از خارج را خواستار میشوند و حتی دخالت ستاد سیج اقتصادی را در تأمین مواد اولیه کارخانجات، غیر ضرور و کار نادرستی می شمارند! آیا چنین برخوردی تعجب آور و تأسف انگیز نیست!

تأمین استقلال اقتصادی کشور، تنها با ایجاد صنایع بزرگ و سنگین امکان پذیر است

متوقف نگاه داشتن احیاء و توسعه صنایع بزرگ و سنگین و مادر در دوران پس از پیروزی انقلاب، عامل اصلی کاهش تولید داخلی، تشدید بیکاری و نقصان درآمد ملی است. دول امپریالیستی هم با محاصره اقتصادی و امتناع از فروش تکنولوژی به ایران، قصد تخریب و انهدام صنایع ملی ما را دارند. ولی از این نباید نتیجه گرفت که پس صنایع بزرگ و سنگین پدر ما نمی خورد و باید به صنایع کوچک رو آوریم، زیرا اولاً تأمین استقلال اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تنها و تنها بر اساس رشد و توسعه همه جانبه صنایع بزرگ و سنگین و مادر - که بنابه اعتراف وزیر صنایع و معادن امکانات زیادی هم برای پیشرفت آن در اختیار داریم - امکان پذیر است. ثانیاً رشد صنایع کوچک، بدون داشتن صنایع بزرگ و سنگین و مادر - چنانکه تجربه گذشته نشان میدهد - جز عقب ماندگی و وابستگی نتیجه دیگری نداشته و نخواهد داشت. ثالثاً تکنولوژی را میتوان و باید، از هر کشوری که به استقلال و حاکمیت ما احترام بگذارد و مناسبات برابر حقوق برقرار کند، بدست آورد. در شرایط کنونی جهان چنین کاری ممکن است.

ما امیدواریم که مقامات مسئول کشور، و قبل از همه و پیش از همه وزارت صنایع و معادن، به مسئله گریه مرحله کنونی رشد اقتصادی جامعه و یکی از مسائل اساسی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، یعنی تأمین رشد سریع و همه جانبه صنایع بزرگ و سنگین و مادر توجه جدی و اساسی مبذول دارند و با اتخاذ تدابیر لازم در این زمینه، قاطعانه در راه تأمین استقلال اقتصادی ایران و تضمین پیروزی قطعی و نهائی انقلاب گام بردارند.

پیروزی انقلاب مویید این واقعیت است که امپریالیسم آمریکا و رژیم های ضد خلقی و وابسته به آن در این منطقه از نخستین روز پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران از هیچگونه کوشش و تلاشی برای تضعیف و براندازی جمهوری اسلامی ایران فروگذار نکرده و هر روز طرح توطئه تازه ای را علیه کشور ما به مورد اجرا می گذارند.

حفظ دستاوردهای انقلاب و دفاع از جمهوری اسلامی ایران در برابر نقشه های تجاوزگرانه توطئه های امپریالیستی ایجاد میکند که جمهوری اسلامی ایران همبستگی و همکاری های همه جانبه خود را با کشورهای مستقل ضد امپریالیست و نیروهای ترقیخواه در منطقه، هر چه بیشتر گسترش دهد.

تدارکات جنگی و توطئه های تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا و رژیم های ضد خلقی و دست نشانده آن در منطقه همچنین علیه همه کشورهای مستقل و رژیم های ضد امپریالیست و ترقی و خلقهای استقلال طلب این منطقه است. جمهوری اسلامی ایران، و کشورهای مستقل ضد امپریالیست و همه نیروهای ترقیخواه این منطقه میتوانند با تشکیل جبهه متحد ضد امپریالیستی و گسترش روابط و همکاری های میان خود که مسلماً از حمایت و پشتیبانی همه نیروهای ضد امپریالیستی و ترقیخواه جهان برخوردار خواهد بود، این توطئه های امپریالیسم آمریکا را با شکست روبرو

تدارکات جنگی و توطئه های نظامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، رژیم های ضد خلقی و وابسته به خود را علیه جمهوری اسلامی ایران تحریک میکند تا با استفاده از امکانات خود در نواحی مختلف ایران دست به توطئه و عملیات تخریبی بزنند. همین چند پیش از اخباری در مورد عملیات توطئه گرانه در استان بلوچستان که از جانب پاکستان و عمان انجام میگردد انتشار یافت. رژیم های ضد خلقی و وابسته پاکستان و عمان به دستور اردیابان خود تلاشهای بکار می برند تا در این استان عناصر ضد انقلابی را مسلح و متشکل کنند و با ایجاد اغتشاش و جنگ داخلی در این استان، پایگاهی برای تمام نیروهای ضد انقلابی تشکیل دهند و جهت مداخله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران شرایط مساعدی فراهم آورند.

مانور نظامی ارتش آمریکا در عمان، بر زمینه چنین اقداماتی، آشکارا عمل تحریک آمیز و ماجراجویانه ایست علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران. در این صورت مقامات رسمی و ارگانهای مسئول جمهوری اسلامی ایران موظفند نسبت به اقدامات ماجراجویانه امپریالیسم آمریکا واکنش جدی نمایند و از همه طرق از جمله روابط و سازمانهای بین المللی و ایجاد هماهنگی با کشورهای عضو جبهه پایداری و بیان اعتراضات رسمی دولت، با قاطعیت، این اقدامات را محکوم و خواستار قطع آنان شوند.

تجارب ده ده ساله ما از

مذاکره داریم تا مذاکره

پروتکل مذاکرات محرمانه دولت موقت با برژینسکی را منتشر کنید!

سفسطه افشا شده

و اما در مورد نحوه تیره جویی لیبیرالها، که استدلال میکنند: چون «بطور کلی هر نوع ملاقات و مذاکره با دشمن یک ذنب لایق فریضه نیست، پس مذاکره محرمانه با برژینسکی نیز مجاز بوده و قابل ایراد نیست و توده ایها و دیگران بی جهت با این مذاکرات مخالفت کرده اند، باید گفت که این استدلال جز یک ریاکاری بازاری چیز دیگری نیست. و ما قریب یکسال پیش، در بحثی در همین مورد با لیبیرالها، در مقاله ای زیر عنوان «مذاکره داریم تا مذاکره»، آنرا فاش ساخته ایم. قطعاتی از همین مقاله را بازگو کنیم، تا بیشتر معلوم شود که لیبیرالها عمدا خود را «بکوجه علی چپ» میزنند و، آگاهانه و نه از روی جهالت، برای استتار غرض خود، به خلط مبحث می پردازند.

در آن مقاله (که در شماره ۹ اسفند سال گذشته، در نامه «مردم» انتشار یافته) از جمله چنین می خوانیم:

«میگویند: چون مذاکره بخودی خود عیبی ندارد و «اصل مذاکره» را هیچکس نمی تواند رد کند، پس آن مذاکرات نیز قابل ایراد نیست. (در اینجا سخن از مذاکرات محرمانه ایست که نمایندگان «نهضت آزادی» با مقامات رسمی و غیررسمی آمریکائی قبل از انقلاب انجام می دادند) اینان با تکیه بر یک اصل کلی درست، یک نتیجه مشخصی غلط میگیرند. این سفسطه است.»

«اصل مذاکره را در واقع هم کسی نمی تواند رد کند. ولی مذاکره داریم تا مذاکره. مذاکره در چه شرایطی، مذاکره از جانب چه کسی یا چه کسی، مذاکره بر مبنای کدام موضعگیری، مذاکره برای رسیدن به کدام هدف؟ اینها را باید مشخص کرد و سپس نتیجه گرفت که: آیا مذاکره مفید است یا زیان بخش؟ مذاکره از موضع انقلابی است یا از موضع سازش با دشمن انقلاب؛ مذاکره برای رسیدن به هدف انقلاب است یا رسیدن به مصالحه ای برای ترمز کردن انقلاب و حفظ مواضع قابل حفظ دشمن انقلاب.»

«برای توجیه این مذاکرات (محرمانه یا مقامات آمریکائی) نمایندگان خط «گام بگام» مثال می آورند و می گویند:

«سران نهضت آزادی بخش الجزایر، وقتی فرانسه را در میدان مبارزه مسلحانه به بن بست کشاندند، راه حل قطعی، یعنی پایان سلطه استعماری فرانسه را بر الجزایر از پشت میز مذاکرات در اوپان، یعنی در خاک فرانسه بسا استعمارگران تنظیم کردند.»

«این قیاس مع الفارق است. سران نهضت آزادی بخش الجزایر اولاً مذاکره را وقتی شروع کردند که «فرانسه را در میدان مبارزه مسلحانه به بن بست کشانده بودند» و نه در زمانی که هنوز سرنوشت جنگ نامعلوم و فرانسه امیدوار به ابقاء سلطه استعماری خود از طریق مصالحه بود. ثانیاً این مذاکرات را از موضع قاطع انقلاب پیروزمند انجام دادند. ثالثاً هدف از مذاکرات، تنظیم نحوه خروج نیروهای مسلح فرانسوی و برجیدن سفره استعمار و استعمارگران از الجزایر بود. این مذاکرات، که فرانسه اجباراً به انجام آن تن در داد، چنانکه میدانیم و معلوم است، منجر به پاکسازی خاک الجزایر از وجود نیروهای مسلح استعماری فرانسه، منجر به خروج فرانسویان از الجزایر گردید. استقلال الجزایر که با جنگ ضد استعماری آزادی بخش الجزایر تأمین شده بود، بوسیله این مذاکرات و استنادی که در آن بافضاء طرفین رسید، قوت قانونی یافت.»

«این مذاکرات چه ربطی دارد به مذاکرات «محرمانه» نمایندگان بورژوازی لیبرال ایران یا پیروان خط «گام بگام» با نمایندگان آمریکا، که هدفش در مراحل مختلف، شکایت از خمونت «اعلی حضرت» و اداری کردن «معتلم» به رعایت قانون اساسی، تقوی سلطنت به ولیعهد یا شورای سلطنتی و بالاخره حفظ رژیم منهای شاه یا

و تقاضای ملاقات کنند، مطالعه می کنیم... آن مقدس مآبی سیاسی که ما با هیچ خارجی تماسی نگیریم، میاد! مردم بگویند که اینها با خارجیها حرف می زنند، من این را ضعف میدانم و... گروهی را که به این ضعف دچار باشد، دارای عزت و توانائی و قدرت برخاسته از توحید و ایمان به خدا نمی بینم...»

پس طبق این نقل قولی که خود «میزان» در همان مقاله، از دکتر بهشتی آورده، اکسر مخالفتی با مذاکرات دولت موقت، با برژینسکی شده، نه بر مبنای مخالفت با هرگونه مذاکره ای، بلکه به این دلیل بوده است که این مذاکرات محرمانه، بدون اعلام قبلی و حتی بدون اطلاع امام خمینی و با «جنبه تباری و سازشی» با آمریکا انجام گرفته است.

ولی «میزان» (بخوان لیبیرال) چنان در قنای برای آرایش خویش است که حتی نمی تواند توجه کند که با آن نقل قول، سند محکومیت خود را ارائه میدهد، و چون تنها به قضی می رود و خوشحال بر می گردد که گویا روحانیت مبارز پیرو خط امام را تخطئه کرده است، آنگاه، طبق معمول، به سراغ «توده نفی ها» می آید!

می نویسد: «راستی اگر بطور کلی هر نوع ملاقات و مذاکره ای با دشمن یک ذنب لایق فریضه است، چرا توده - نفی ها با علاقه از پیشنهاد ملاقات مذاکره آقا شاهی وزیر خارجه پاکستان با دولت افغانستان نه تنها ابراز خوشحالی میکنند، بلکه اصرار دارند که ایران هم در آن مذاکرات شرکت کند؟ چگونه است که اگر مسئولین ایران با سران پاکستان سخن بگویند، گناهی نابخشودنی مرتکب شده اند و اما اگر سران افغانستان با سران پاکستان به گفتگو بنشینند، نه تنها ایرادی ندارد، بلکه این درخور ستایش خواهد شد و در جهت «صلح جهانی» تلقی میگردد؟ و کمی قبل از این سطور: «آیا گویندگان و مدعیان چنین بیانی (رد هرگونه مذاکره بطور کلی) پیروان مکتب مارکسیسم هستند؟ اگر چنین است، آیا در حرکت های کمونیستی دنیا، در ویتنام، در کوبا، در سایر نقاط جهان، چنین ملاقاتها و مذاکرات میان کمونیستها و دشمنانشان صورت نمی گیرد؟ شکفتا لیبیرالها هم از روحانیون مبارز پیرو خط امام «مکتبی» ترند و هم از حزب توده ایران (باصلاح آنها توده - نفی ها) «مارکسیست» تر! ولی در واقع اینان دن کیشوت های سیاسی ماهستند که به جنگ آسیاب بادی تخیلی خود میروند و پیروزمند بر میگردند. نقاب ریا از چهره آنها برداریم.»

دو نکته

ولی قبلاً دونکته درباره اصطلاح دشمن آمیز «توده - نفی»، که از زبان لیبیرالها نمی آید، گفتنی است. اولاً این نکته که اگر توده ایها «توده - نفی» بودند، یعنی ظاهری توده ای و باطنی سازشکار با امپریالیسم داشتند، در اینصورت دقیقاً از جنس لیبیرالها می بودند و در نتیجه نه فقط هدف خصومت کین توزانه لیبیرالها واقع نمی شدند، بلکه بر سر آنها جای داشتند، چنانکه مائوئیستها و همه دیگر «مارکسیستهای» ضد مارکسیست و همه «کمونیستهای» آمریکائی، روح و روان لیبیرالها و جان شیرین آنها هستند. ثانیاً لیبیرالها میتوانند روزی هزار بار ورد «توده - نفی» بگیرند، شب و روز به توده ایها فحش و ناسزا بگویند، هر آنچه خود دارند به توده ایها نسبت دهند، ولی ایسن «دفاع» بیبوده و تلاش مذبوحانه عبثی است، زیرا هرگز این درمان درد بی درمان آنها نخواهد بود و هرگز بدین وسیله نخواهند توانست خود را، برخلاف آنچه که هستند، بنمایانند. و آنچه که هستند و بدرستی از طرف همه مردم ایران، از جمله طرفداران خودشان، شناخته شده اند، چیزی نیست جز «جاده صاف کن» ضد انقلاب و امپریالیسم، به سرکردگی آمریکای سلطه گر و غارتگر و جتایتکار!

روزنامه خوانائی که ضمناً روزنامه «میزان» (ارگان مطبوعاتی لیبیرالها) رانیز میخزند، میدانند که این روزنامه، پس از حل شدن مسئله «گروگانها»، زیر عنوان «آزادی گروگانها» به نشر مقالاتی مفصل پرداخته، (حیف کاغذ) با دو هدف مشخص: یکی تخطئه نحوه حل مسئله «گروگانها» و بدین وسیله، بیخبال خود، تضعیف دولت جمهوری اسلامی ایران، و یکی تیره سیاست و عملکرد «دولت موقت» و بدین وسیله، بیخبال خود، باز کردن راه بسرای پیروی کار آمدن مجدد لیبیرالها، یعنی همان دولت «عادل و معتدل و میانه روی»، که ریگان و شرکاء در انتظار تجدید حیات آن چشمه اند و اگر دقیق تر بگوئیم - برای تجدید حیات آن فعالیت میکنند!

ما نیازی نمی بینیم که این رشته مقالات را جداگانه حلاجی کنیم (حیف وقت). ولی بیجا نمیدانیم که شماره دوازدهم این رشته مقالات را مورد بررسی قرار دهیم، تا یکبار دیگر نشان دهیم که این لیبیرالهای «توسر»، ترسو هستند و این مدعیان «صدقات»، مزورند و خط سیاسی آنها همان «خط برژینسکی» است.

انتخاب مقاله دوازدهم این رشته مقالات، از اینجست است که در آن، شله مهم مذاکرات هیئت سه نفری دولت موقت (بازرگان - یزدی - چمران) با برژینسکی (در الجزایر) مطرح شده و لیبیرالها سخت در تلاش و کوششند، تا با این استدلال که «نفی» مذاکره قابل ایراد نیست و مذاکره با دشمن نیز «حرام» است، میخوانند مذاکره محرمانه با برژینسکی را امری عادی و حتی به «صلاح ملت و انقلاب» جایزند و، از آن بالاتر، حتی خود را نوعی «صد آمریکائی» معرفی کنند. والا همه مقالات این رشته مقالات، تقلائی است برای تقد کردن سکه تقلبی سیاست و عملکرد «دولت موقت» لیبیرالها، که از شرکت در انقلاب «پیشمان» بودند و هستند. «سه سه بار نه بار غلط کرده بودند»، که در انقلاب شرکت کرده اند؛ فغان بر می آورند که آقا هم ماشاءالله ما را کلافه کرده است!؛ معتقد بودند و هستند که «چون وابسته بوده ایم بناچار باید وابسته بمانیم»؛ استقلال را اصولاً ناممکن میدانند، همه کشورهای جهان را وابسته و زیر سلطه معرفی میکنند، تا «وابستگی و زیر سلطه» قرار گرفتن ایران را امری ناگزیر و طبیعی وانمود سازند؛ کوشیده و میکوشند که مانع برقراری مناسبات حسنه با کشورهای جبهه ضدامپریالیستی (از جمله و بویژه اتحاد شوروی) - حامیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - گردند، تاراه برقراری مناسبات «وابستگی و زیر سلطه» را با کشورهای امپریالیستی (از جمله و بویژه آمریکا) بکشایند والی آخر.

در مقاله دوازدهم این رشته مقالات، که به تیره انجام مذاکرات محرمانه با برژینسکی اختصاص یافته (که نمونه وار است)، نویسنده ابتدا سعی کرده است امر واضحی را «توضیح» دهد که «نفی مذاکره» قابل ایراد نیست، تا سپس «اثبات» کند که، مذاکره محرمانه با برژینسکی نیز نمی تواند قابل انتقاد باشد.

می نویسد: «میگویند که نفی ملاقات با برژینسکی حرام بوده است» و بدنبال این نسبت دروغ به افرادی مجهول، ریاکارانه سؤال میکند: «اولاً بر اساس معیارهای مکتبی، آیا چنین ملاقاتهایی ممنوع است؟ آیا پیامبر و امامان ما با خصم و رهبران خصم ملاقات و مذاکره نمی کرده اند؟ آیا آنها خود به ملاقات خصم نمی رفتند؟ و یا اگر آنها بدیدارشان می آمدند، آنها را نمی پذیرفته اند؟»

ظاهراً این پرسشها خطاب به روحانیون مبارز پیرو خط امام، عنوان شده، تا چنین وانمود شود که گویا آنها با هرگونه مذاکره مخالف بوده اند، که نادرست است و «مکتبی» نیست.

اما از آنجا که مع ریاکار باید باز شود، در همان مقاله، در جای دیگر و به منظور دیگری، سخنان آیت الله دکتر سید محمد بهشتی نقل شده در پاسخ به این سؤال موزیانه که: «آیا این صحبت دارد که شما با هوزر آمریکائی تماس داشته اید؟»

آیت الله دکتر سید محمد بهشتی، ضمن تکذیب این «تماس»، اعلام مخالفت میکند با ارتباط و مذاکراتی که «جنبه تباری و سازشی با آنها (شرق و غرب) داشته باشد»، و می افزاید: «اما اگر آنها بخواهند با ما ارتباط بگیرند

«مشروطیت بدون شاه» بوده است... نمایندگان خط «گام بگام» مثال می آورند و می گویند:

«وقتی آمریکا می خواهد خودش را از مهرکه جنگ ویتنام خلاص کند، سرنوشت ویتنام جنوبی و رژیم وان تیو را در پارسی با له دول تو و خانم یینه نمایندگی ویتنام شمالی مطرح میکنند.»

«ولی آقایان مدافع مذاکرات خط «گام بگام» باید بدانند که اگر هدف آمریکا از مذاکرات خلاص شدن از مهرکه ویتنام بود، هدف این مذاکرات از جانب ویتنامیها نحوه اخراج نیروهای مسلح آمریکائی از ویتنام، سپردن سرنوشت رژیم وان تیو بدست خلق ویتنام و قطع هرگونه دخالت آمریکا در امور داخلی ویتنام بود. نتیجه مذاکرات هم، پس از کتمسکن های طولانی، چنان شد که ویتنامیها آنرا پذیرفتند، ولی آمریکا آنرا نقض کرد و چون نقض کرد، خلق ویتنام، آمریکا و رژیم دست نشانده اش را «همچون موش مرده از ویتنام بیرون انداختند.»

«این مذاکرات، نحوه برگزاری آن و نتیجه آن، چه وجه مشترکی با مذاکرات «محرمانه» نمایندگان خط «گام بگام» با نمایندگان آمریکا در ایران دارد؟»

«این دیگر از آفتاب روشنتر است که دو خط، چه قبل و چه بعد از پیروزی نخستین مرحله انقلاب (سقوط رژیم شاه مخلوع) در برابر یکدیگر قرار گرفته اند: یکی خط امام، یعنی خط قاطع ضدامپریالیستی و خلقی، خطی که استقلال ایران را در تمام ابعاد آن بطور کامل میخواهد، خطی که نوسازی ایران را بسود مستضعفین می طلبد، و دیگری خط «گام بگام»، خط سازش و مصالحه با امپریالیسم، خطی که استقلال ایران را فقط بطور نسبی و نیم بند امکان پذیر میداند، خطی که نوسازی را نه بسود مستضعفین، بلکه بسود بورژوازی لیبرال می طلبد.»

«چنین است محتوای مسئله. دعوا و مبارزه بر سر محتوای این دو «خط» است، و الا مذاکره را بطور کلی هیچکس نفی نمی کند. منتها مذاکره داریم تا مذاکره.»

اینجا قطعاتی بود از مقاله ای که قریب یکسال پیش در توضیح «مذاکره داریم تا مذاکره» منتشر کردیم و سفسطه لیبیرالها را، که در تیره مذاکرات محرمانه و سازشکارانه خود با نمایندگان آمریکا مطرح ساخته بودند، افشا و رد کردیم.

ولی گوش لیبیرالها قدرت شنیدن حرف حسابی ندارد. در مقاله شماره ۱۲ «میزان» با عنوان «آزادی گروگانها»، دوباره با همان سفسطه درصدد تیره انجام مذاکرات محرمانه و سازشکارانه برآمده اند که این بار با برژینسکی (بقول خودشان نماینده جناح فاشیستی هیئت حاکمه آمریکا) داشته اند.

مذاکره با افغانستان

لیبرالها از ما سؤال میکنند که: چرا ما با مذاکره با افغانستان موافقیم، ولی با مذاکراتی که با برژینسکی صورت گرفته، مخالفت کرده ایم. اگر می توان مذاکره کرد، پس مذاکره با برژینسکی نیز مانعی نداشته است. و اگر نمی توان و نباید مذاکره کرد، پس با افغانستان هم نباید مذاکره کرد!

ولی نظر ما معلوم است. ما معتقدیم که باید با افغانستان مذاکره کرد. اگر درست است که جمهوری اسلامی ایران خواستار خروج نیروهای شوروی از افغانستان است؛ اگر درست است که خارج او را تهدید نکند، نیروهای شوروی از افغانستان خارج خواهند شد؛ اگر درست است که آمریکا و چین بدست رژیم ضیاع الحق در امور داخلی افغانستان مداخله، آنها مداخله مسلحانه می کنند؛ اگر درست است که اتحاد شوروی رسماً اعلام داشته است که در صورت رفع خطر از افغانستان و درخواست افغانستان، نیروهای خود را خارج خواهد کرد؛ و اگر درست است که ما طبق قانون اساسی نباید در امور داخلی دیگر کشورها مداخله کنیم، پس بنظر ما لازم است که باید با دولت افغانستان به مذاکره نشست، در موضع قطع مداخله مسلحانه در امور داخلی افغانستان قرار گرفت، و در نتیجه، خروج نیروهای شوروی را از افغانستان به مرحله اجرا گذارد. در غیر این صورت، یعنی در صورت خودداری از مذاکره با افغانستان و تأمین عدم مداخله مسلحانه در امور داخلی این کشور، بقیه در صفحه ۶

کارخانه‌ها باید از وجود ضد انقلاب کارگر نما پاکسازی شوند

جدی پیم یکی از کارگران بنام "بخش پور"، که حدود چهل سال سابقه کار در این کارخانه دارد، به صرف اینکه به فرماندار قائم شهر گفته بود شورا کار سبت انجام نمی دهد، از کار اخراج شد و دو هفته بعد هم او را از سر کار برکنار کردند.

مسئله‌ای که مدتی است در این کارخانه ذهن کارگران را بحدود معطوف کرده، مسئله "بازنشستگی" است. جدی پیم مدیرعامل کارخانه اعلام کرد که کارگران تا اول اسفندماه بازنشسته خواهند شد و اگر کارگران سخما تقاضای بازنشستگی نکنند، یکماه زودتر (یعنی اول بهمن ماه) بازنشسته می شوند.

حدود سصد تن از کارگران زیرتقاضا نامه بازنشستگی را امضاء کردند، فقط به این دلیل که در شرایط جنگی از ایجاد اغتشاش در کارخانه جلوگیری کنند. خوشبختانه مدیرعامل موفق به انجام اینکار نشد. حال اگر کارفرما اینکار را توفیق می یافت، اولاً امکان داشت عده‌ای از کارگران به اعتصاب و یادگیری شیوه‌های اعتراضی متوسل شوند، که در

در شرایطی که رژیم جنایتکار صدام به تحریک امپریالیسم آمریکا به خاک میهن ما تجاوز کرده است و قصد نابودی جمهوری اسلامی نوپای ما را در سزمی - سروراند، عوامل ضد انقلاب ولیبرال های سازشکار ریپوسته می گویند که از مبارزات کارگران قهرمان و آگاه جلو گیری کنند. نمونه این اعمال ضد انقلابی را میتوان در کارخانه نساجی شماره ۱ و گونی بافی قائم شهر بوضوح مشاهده کرد.

در کارخانه نساجی شماره ۱، اضافه کاری فقط مختص عده خاصی است که تحت حمایت کارفرما قرار دارند. این افراد در طول هفته، چون دیگر کارگران فعالیت عمکیبری در کارخانه ندارند و از آنها برای خنثی کردن اعتراضات سرخپوش استفاده میسود. این کار بخصوس در قسمت تعمیرخانه نساجی شماره ۱ معمول است. با این ترتیب که کارگران مومن به انقلاب را شناسایی میکنند و با بر حسب "کمونیست" و "ضدانقلاب" آنها را از کارخانه اخراج میکنند، بعنوان نمونه میتوان از دو کارگر جوان نام برد که تمام سیروی خود را صرف تولید بیشتر و تقویب روحیه انقلابی در کارگران میکنند. این دو نفر حندی پیش که برای ترفتن وسایل ایمنی دست به اقداماتی زده بودند، با پرونده سازی که از جانب کارفرما علیه آنها صورت گرفته بود، از کار اخراج شدند، هرچند که این عمل کارفرما با اعتراض شدید کارگران مواجه سدویس از بیست روز دوباره کارگران به سرکار خود بازگشتند. در این کارخانه شرایط خفتان آوری حکمفرماست. مثلا

نتیجه عملا به نفع آمریکا و ضد انقلاب تمام میشد. ثانیاً: بازنستگان عموماً استادکاران را شامل می شدند، که با کنار نذا ردن یکباره آنها، کارخانه با کمبود کادر ننی مواجه میشد

ناائفته نماد که در این کارخانه تا بحال کسی را به عنوان کارآموز - برای دیدن دوره تخصصی - استخدام نکرده اند و معلوم نیست که با باز نسته سدن کادرفنی - که هر یک بیس از چهل سال سابقه کار دارند - چگونه کارخانه به حیات خود ادامه خواهد داد. خوشبختانه مدیرعامل کارخانه از کاربرکنار رسده و مدیرعامل جدیدی به این سمت گمارده شده است. حال باید در انتظار اقدامات مدیرعامل جدید بود و البته فقط کارگران شاغول در کارخانه میتوانند در مورد اوقضاوت کنند.

مسئله‌ای که باعث نگرانی خاطر کارگران شده، فعالیت جندتن از سرسپردگان رژیم منفور گذشته است. که بیوسته نقش عمده‌ای در ایجاد جو متشنج در کارخانه بعهده داشته اند. یکی از این افراد عضوساواک متحله و دیگر شخصی است که بعنوان فرمانده جماعتداران در میان کارگران سهرت دارد.

کارگران خواستار آنند که کارخانه هرچه زودتر از لوب وجود ایر کارگر نماها پاک شود، تا آنها بتوانند در محیطی آرام سطح تولید را به حداکثر برسانند.

در ماشین سازی اراک متأسفانه انقلاب موضع دفاعی دارد!

پاره‌ای از مسئولین سازمان گسترش و نوسازی صنایع با انقلاب سرآشتی ندارند

هشدار به مسئولین جمهوری اسلامی ایران:

و صدیق به انقلاب از طرف مسئولین شهری، همه و همه عواملی است که در پایشین آمدن سطح تولید حالت دارد.

اعمال سیاست های غلط مدیریت می تواند عواقب بس وخیمی را در کارخانه ماشین سازی اراک برجای نهد

ما بنا به وظیفه انقلابی خود به مسئولین مملکتی هشدار می دهیم که با اقدام منطقی و عاجلانه از وخیم تر شدن اوضاع ماشین سازی اراک جلوگیری بعمل آورند و در جهت تحکیم جمهوری اسلامی ایران و تقویت پشت جبهه انقلاب به رفع مشکلات این کارخانه کمک کنند.

به جا معه ما وارد آورده است ماشین سازی اراک بجای اینکه هم اکنون بتواند بخش عمده‌ای از نیازمندی های صنعتی مملکت را برطرف کند (که می تواند)، روز بروز با کاهش تولید روبروست.

عدم رسیدگی به خواستهای برحق کارگران، تعقیب بر نامه های غلط رژیم طاغوت و عدم برنامهریزی صحیح، جلوگیری از تشکیل انجمن های صنفی کارگران و جلوگیری از فعالیت شورای کارکنان، ایجاد دیاس و داسردی در بین کارکنان کارخانه، بازگرداندن ساواکی های اخراجی کارخانه به سرکار، و زمزمه شوم تقاضای اخراج کارکنان مبارز

بیران تولید ماشین سازی اراک بطور سرسام آوری رو به کاهش است. این خضریست حدی برای صنایع بزرگ جمهوری اسلامی ایران، که هر چه زودتر با بدجلوی آن ترفته شود.

تعقیب سیاست های غلط رژیم منحوس پهلوی، از طرف پسی مانده های دولت "کام به کام"، که اکنون در سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران لانه کرده اند، علت اصلی این نابسامانی هاست.

این سیاست در شرایط کنونی که از نظر اقتصادی وضع دشواری را می گذرانیم و چرخ اقتصاد مملکت با یدبا حداکثر سرعت به حرکت درآید، لطفاً سنگینی

در کارخانه پلی اکریل:

با رسیدگی به خواستهای کارگران، باید از فعالیت ضد انقلاب جلوگیری کرد

روزشنبه ۲۷/۱۰/۵۹، کارگران و تکنیسین های کارگاه مرکزی کارخانه "پلی اکریل"، به مدت ۲ ساعت دست از کار کشیدند. آنها خواستار ملاقات با رئیس کارخانه و در میان گذاشتن مسائل و مشکلات خود بودند. این افراد اظهار می کردند که تا کنون چندین بار با مهندسین قسمت در این مورد صحبت کرده اند و مسائل موجود را با آنها در میان گذاشته اند، ولی تا کنون به این مشکلات و کمبودها رسیدگی نشده است.

مسائل کارگران عبارت است از: مشکل مسکن، نداشتن کفش ایمنی، طبقه بندی مشاغل و غیره. این مشکلات نه در این قسمت، بلکه در تمامی کارخانه مطرح است.

در پی مطرح شدن این مسائل، عده‌ای با سوء استفاده از موقعیت، اسغال "انقلابی" (!) ۱۵۶ دستگاه خانه های مسکونی در حال اتمام کارخانه را، مطرح کردند.

خواستهای کارگران "پلی اکریل" راه حلهای مختلف دارند: بعضی از آنها راهی توان براهتی و بدون اشکال برطرف کرد. تعدادی نیز احتیاج به برنامه ریزی و زمان دارند. البته این حق کارگران است تا خواستهای خود را طلب کنند و وظیفه مسئولین است، تا به آنها رسیدگی کنند.

از جمله مشکلات کارگران نداشتن کفش ایمنی است. این از ضروری ترین کارهایی است که برای کارگران باید صورت داد. شرایط کار

سندیکای کارگران کفاش تهران:

فقط شش درصد کارگاههای کفاشی زیر پوشش بیمه اند

سندیکای کارگران کفاش تهران و حومه، اخیراً، در ارتباط با مسئله بیمه های اجتماعی بیانیهای انتشار داده است.

در این بیانیه، سندیکا، پس از طرح مسئله بیمه های اجتماعی و اهمیت آن، یادآور شده که: در تهران "از هر یکصد کارگاه کفاشی، بیس از عکارگاه از بیمه های اجتماعی برخوردار نیست" و آن کارگاههایی که زیر پوشش بیمه قرار دارند نیز بطور عمده با این مشکل دست بگریبان اند که: "کارفرمایان لیست بیمه کارگران را برداخت نمی کنند".

سپس در بیانیه آمده است: "یکی از علت های شیکه باعث گشته بیمه های اجتماعی در صنف بطور کامل پیاده نشود عدم پیگیری کارگران میباشد که لازم شد مزایایی را که کارگران با داشتن دفترچه بیمه های اجتماعی میتوانند، از آن بهرمنستند گردند، برای اطلاع بیشتر کارگران ذکر نمائیم:

- ۱- استفاده از امکانات درمانی (برای خود و خانواده)
۲- حق از کار افتادگی و پرداخت ۷۵ درصد حقوق ذکر شده در لیست بیمه، عمینطور در هنگام بیماری، گرفتن وام مسکن،
۳- دریافت حق اولاد ۱۹۰۵ ریال برای یک فرزند، دوفرزند ۲۸۱۰ ریال، بیش از دوفرزند سیز نعلق نمی شود.

برای استفاده از امتیازات و امکانات فوق از طریق بیمه های اجتماعی، از کلیه کارگران کفاش دعوت مینمائیم:

روزهای شنبه ساعت ۴/۳۰ دقیقه بعد از ظهر در جلساتی که بدین منظور تشکیل میگردد، شرکت نمائید. دوستان کارگر سندیکا خانه شماست... با شرکت فعال خود در سندیکا بکوشیم تا علیه اخراج، بیکاری و... بیکارچه عمل نمائیم. با تشکر خود در سندیکا، پایه های سندیکا را مستحکمتر گردانیم.

در شرکت یگاندهشت:

بر گماری مدیریت انقلابی و کار آمد، ضرورت تام دارد

شرکت یگاندهشت واقع در ۱۴۰ کیلومتری شمال شیراز (در جاده شیراز - اصفهان) مواد اولیه نظیر خیار و گوجه فرنگی برای کارخانه "یک و یک" فراهم میکند. علاوه بر آن، شرکت سالانه مقداری گندم و جو و یونجه جهت فروش تولید می کند. همچنین شرکت برای واحد دامپروری خود علاوه نیز تامین میکند. این شرکت دارای صد هکتار باغ از انواع گلو، شلیل، آلبالو و سیب است و سالانه تقریباً ۱۵۰ تن ماهی و در حدود ۲۰۰۰ راس گوسفند تولید و پرورش میدهد.

شرکت مسمول بند "ج" قانون ملی سدن قرار گرفت و فعلاً زیر پوشش دولت است. گشت در این شرکت کاملاً مکانیزه است ولی برداشت خیار و گوجه فرنگی بوسیله کارگران صورت میگردد، اما جو و گندم و یونجه با ماشین برداشت می شود.

کارگران این شرکت، پس از انقلاب، شورات تشکیل دادند. ولی در اینجا هم مثل سایر شرکت هایی که بعد از انقلاب ملی شدند "دولت موقت" مدیرانی برای آنها فرستاد، شورا دچار مشکلاتی گردید. البته با همت

کارگران مبارز، مدیران نتوانسته اند تمام اختیارات را از دست شورا بگیرند. شورا مجدداً قوت گرفته و فعلاً فعال است. تعداد کارگران دائمی و رسمی در شرکت حدود ۳۰۰ نفر است، ولی در فصل برداشت حدود ۴۰۰ کارگر موقت استخدام میشوند، تا برداشت خیار و گوجه را بعهده بگیرند. این کارگران موقت معمولاً از زنان روستا - های اطراف و محصلین تشکیل میشوند. در این واحد مشکل اساسی، عدم مدیریت صحیح است، زیرا از طرفی مدیران جانب "دولت موقت"، در تهران، با ضوابط دولت لیبرال ها گمارده شده، با سوسی دیگر نه تنها با موقعیت محل آشنا نیست، بلکه اصول کشاورزی را هم نمیدانند.

مشکل اساسی کارگران بیسوادی آنهاست. حدود ۹۰ درصد کارگران سواد خواندن و نوشتن ندارند و شدیداً به کلاسهای سواد آموزی محتاجند. جا دارد نهاد انقلابی "نهضت سواد آموزی" با جدیت تمام باران صمیمی و یستیبانات واقعی انقلاب، یعنی کارگران زحمتکش را یاری رساند.

مشکل دیگر کارگران، نداشتن خانه است. کارگران شرکت را میتوان با وامهای کافی و مساعد موقتا یاری رساند و گره های زندگی حیات - بخش آنها را گشود.

در این مقطع که انقلاب عظیم ما مورد هجوم امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده آن قرار گرفته، کارگران باید به فنون نظامی آشناسوند. کارگران مبارز شرکت آمادگی کافی جهت یاد گرفتن آموزش های رزمی را دارند. به کمک آنها بیشتانیم، که این کار به معنای تقویت جبهه و پشت جبهه است!

کارگران مبارز ایران! در یک دست دیگر با اسلحه، در زمین انقلابی دفاع کنید!

انقلاب برای مقابله انقلاب بدهد، پرهیز کنند. بعضی از مسایل وجود دارند که براهتی قابل حل هستند و میتوان آنها را به فوریت انجام داد. برخی نیز احتیاج به برنامه ریزی دارند. مسایلی که احتیاج به برنامه ریزی و در نتیجه زمان دارند، باید با کارگران در میان گذاشته شوند.

کارگران نیز باید با آگاهی انقلابی خود از هرگونه عملی که به کم کاری و تحصن کشیده شود، خودداری کنند و از اعمالی که ضد انقلاب بتواند از آنها استفاده کند، بر حذر باشند، از جمله اقدامی چون "اشغال انقلابی" (!) خانه های ناتمام کارخانه، که میتواند باعث اغتشاش و ناامنی شود.

جان آنها را تهدید می کند و تضمین سلامتی کارگران در حین کار فوریت تام دارد. مشکل مسکن نیز مسئله ای است که برای تمامی کارگران کشور وجود دارد. ایجاد ساختمانهای مسکونی در جوار کارخانه ها و مراکز تولیدی برای کارگران باید به تدریج زمینه حل این مشکل را فراهم آورد. طرح طبقه بندی مشاغل نیز، آنچنانکه اعلام شده است، در مرحله برنامه ریزی و اجرای آزمایشی است. طبق گفته وزارت کار، این طرح به مجرد تکمیل و آماده شدن، در سراسر کشور اجرا خواهد شد. مسئولین نیز وظیفه دارند، تا از هر کاری که بتواند بهانه ای به ضد

ویژه هیئت های هفت نفری

نقش کلیدی هیئت های هفت نفری

بها دانیایی هیئت های واگذاری زمین وظیفه دار انجام یکی از اهداف مهم انقلاب بزرگ ماست. از همین رو توده سلسله هیئت های و همکاران بین جسم امید خود را به آن دو بخشاند، تا تمام و کمال قانون اصلاحات ارضی را بناچار در آورده از همین رو است که ضداطلاقی و سرگ مالکان با این هیئت کینه و غضب با آن روز بروز بیشتر. تصمیم به تشکیل این هیئت ها در قانون مصوبه ۸ اسفند ۵۸ گرفته شد. ولی آئین نامه

اجرائی در اردیبهشت ۵۹ تصویب شد و از آنجا که این هیئت ها در مرحله اول کار خود به تحقیق در وضع مالکیت ها پرداخت. ترکیب مردمی و فعالیت هیئت های دهقانان را به آینده خویش و به سرپرست انقلاب امیدوار ساخت و علیرغم مشکلات و تضییقاتی که بر اثر اعمال فشار بزرگ مالکان و روحانی نمایان مخالف خط امام خمینی و لیسرا ل ها به وجود آمد و

موجب تعویق موقتی بند "ج" - نکته گرخی قانون - شد. هم اکنون نیز دهقانان که به حمایت کلیه هیئت های انقلابی امیدوار هستند، در انتظار اقدام سریع هیئت ها آمادگی خود را برای همه گونه همکاری و مشارکت اعلام میدارند. مطالب این مجله دهقانی نامت "مردم" به امور مربوط به هیئت های ۷ نفری اختصاص دارد.

اهالی روستای «فرادنبه» وهیئت هفت نفری

روستای بزرگ فرادنبه، که در ۹ کیلومتری غرب شهر بروجن واقع است، ۱۲ هزار نفر جمعیت دارد. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، قدرت بزرگ مالکان این ده، که بیس از آن نبض اقتصادی-سیاسی این روستا را در دست داشتند، متزلزل گردید. این امر خود زمینه ای برای شرکت گسترده تر دهقانان این روستا در اداره روستا فراهم کرد. توسط زحمتکشان فرادنبه شورای ده به وجود آمد، که در جهت خواست های دهقانان کم زمین و بی زمین اقدامات مثبتی انجام داد. از سوی دیگر هیئت های هفت نفری واگذاری زمین نیز به این روستا آمدند و امر تقسیم زمین های بزرگ مالکان بین روستاییان را آغاز کردند.

اقدامات مثبت هیئت هفت نفری زمین واگذاری متب سوری ده موجب خشم و وحشت بزرگ مالکان شد. بزرگ مالکان ده کوشش های فراوانی به عمل آوردند، تا فعالیت های این نهاد های انقلابی را مختل کنند و با تحریک، ایجاد آشوب و بسیج مزدوران جلوی فعالیت های هیئت های هفت نفری را بگیرند. این بزرگ مالکان، که مخالف انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانند، اعضای هیئت هفت نفری واگذاری زمین را تهدید کردند که اگر کارهای آنان را ادامه یابد، اعضای این هیئت مورد ضرب و ستم قرار خواهند گرفت. فعالیت های ضداطلاقی این مالکان و مزدوران آنان تا بدان جا رسید که یکی از اعضای "هیئت هفت نفری تقسیم زمین" از سوی این عناصر تهدید به مرگ شد.

زحمتکشان این روستا، که سال های سال زیر ستم بزرگ مالکان قرار داشتند به پشتیبانی از هیئت هفت نفری برخاستند و خواستار محاکمه این بزرگ مالکان شدند. هیئت هفت نفری واگذاری زمین نیز پس از مشاهده اقدامات ضداطلاقی و مخرب این بزرگ مالکان، با مراجعه به دادگاه انقلاب شهر کرد، علیه این عناصر ضد انقلابی شکایت کرد.

دادگاه انقلاب شهر کرد، پس از رسیدگی به پرونده این عناصر، حکم بازداشت آنان را صادر کرد و سه تن از عوامل ضداطلاقی به نام های حسین بصیری معروف به حسین بها (یکی از سرورترین و بدنام ترین افراد روستا و مزدور نفوذال ها)، فریدون ربیعی، بزرگ مالک و کامیون دار و بهمن ربیعی بزرگ مالک روستا، توسط سبایان پاسدار دستگیر و به دادگاه انقلاب فرستاده شدند.

دهقانان روستا نیز عملاً در صحنه مقابله حضور یافته و به حمایت از هیئت هفت نفری، شکایت جمعی علیه بزرگ مالکان و ضداطلاقیون تسلیم دادگاه کردند، که در نتیجه یکی دیگر از نفوذال های این روستا نیز بازداشت شد. کشاورزان هم چنین طوماری علیه "مستکبرین و نفوذال ها جمع آوری کردند و خواستار دستگیری کلیه عناصر فاسد و ضداطلاقی و نفوذال شدند. این مسئله دارای اهمیت منطقه ای و عمومی است، زیرا بزرگ مالکان در صدد ایجاد آشوب و تشنج هستند.

اهالی روستای فرادنبه از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران میخواهند که امر واگذاری زمین ها به فوریت و به طور کامل ادامه یابد و هر نوع مشکل و سدی از پیش پای هیئت هفت نفری برداشته شود، تا بتوان ریشه های پوسیده ظلم و بیداد را در این منطقه قطع کرد.

هستیاری و نبرد و اتحاد دهقانان و همکاری نهادهای انقلابی: ساه پاسداران، شورای ده، دادگاه انقلاب با هیئت هفت نفری، و تیغ سیدین به این هدف است.

دهقانان چشم بر راه هیئت های هفت نفری هستیم می نویسنند

در زمان رژیم منصور طاغوتی گذشته در منطقه مانیز بزرگ مالکی به اسم "دکتر مستوفی" که از ایادی دربار منحوس پهلوی و همکاران آن رژیم بود، می خواست تحت عنوان مجتمع با صلاح "دامپسروزی

حفظ آباد" زمین های کسا ورزان محروم را بزر و غصب کند و حتی میا درت به ختکا ندن چشمه های سا لیز را رها نمود و اراضی جنگلی را نیز با قطع درختان بصورت مخروبه در آورده، که بحمد الله با وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی - مان فرار را برقرار ترجیح - داد چرا که انقلاب از آن کوخ - نشینان بودند که کاخ نشینان، و از این رو به همت شورای واگذاری زمین استان کیلان در سال گذشته مقداری از آن زمین ها

به کسا ورزان بی زمین و کم - زمین اختصاص یافت و چون هنوز سطح زیادی از زمین های فوق بلااستفا ده افتاده که قابل کشت است و با حمایت ارکان های انقلابی استان می توان در آنها برنجکاری نمود و لذا عده ای نیز از افراد بی زمین و کم زمین و خوش نشین در این روستاها باقی است و از آنجا که فصل کشت در شروع می شود، در انتظار هیئت های ۷ نفره تقسیم زمین هستیم تا در این شرایط جنگ تحمیلی آمریکا بر میهن انقلابیمان در خنثی کردن توطئه محاصره ا قتلما دیو سایر دسایس نیطان بزرگ و دشمنان انقلابیمان کوشیده و هم در راه تقویت انقلاب و ست جبهه و کسب روزی و آذوقه برای خانواده ها یمان فعال باشیم. ما چشم بر راه هیئت های هفت نفری واگذاری زمین هستیم. با احترامات کثا ورزان بی زمین و کم زمین

بی زمین و کم زمین

رونوشت به: ۱- دفتر امام خمینی ۲- مجلس شورای اسلامی ۳- دفتر نخست وزیری

دهها و دهها امضاء و اثر انکتت زیرنا مه متراک اهالی قراء تیلان، چیل نورو تره - تنگده طولکیلان، از توابع هشتر طوالس دیده می شود. متن این نامه را با دقت بخوانید، تا با روشن بینی و هشجاری دهقانان ایران و آگاهی آنان با حقوق حقه خود پیوند آن با اساسی ترین مسائل میهن انقلابی مان، بار دیگر آشنا شوید.

بسمه تعالی حضور محترم فقیه عالیقدر حضرت آیت اله منتظری "اکثر به قوانین اسلام عمل شود، هیچکس داری زمین - های بزرگ نمی شود"

اینها نمایان امضا کنندگان زیر، اهالی قراء "سیلان" و "تره تنگده" طولکیلان و "چیل - نصر" هشتر طوالس ضمن ابراز پشتبمانی محدود خود از رهبر انقلاب و امید محرومان و مستضعفان جهان حضرت آیت - اله العظمی امام خمینی و محکوم نمودن تجاوز عراق که بنا به فرموده امام "امروز دست آمریکا از آستین دولت عراق بیرون آمده است" و توطئه ضد - انقلابیون لیبرال و سرمایه داران و مالکین بزرگ بر علیه روحانیت مبارز، برهبری امام خمینی، خواهان اجرای قانون اصلاحات ارضی مصوبه، شورای انقلاب که به تازگی بیادیات عظام مجمله فقیه عالیقدر آیت اله منتظری رسیده، هستیم.

مالکین بزرگ که ایادی رژیم طاغوتی و عوامل شیطان بزرگ، آمریکا ی جنایتکار در روستاها می مانند، همینست که منافع خود را در خطر دیده اند زیر علم "آزادی" - برای مستکبرین - گرد آمده اند تا مانع اجرای قوانین جمهوری اسلامی ایران بنفع امت مستضعف کشورمان شوند و در این راه تا بدانجا گستاخ شده اند که بند "ج" قانون اصلاحات ارضی فعلا مسکوت مانده است.

از سخنان حجت الاسلام نورمفیدی، نماینده امام در گرگان

هدف سورا را با خواست خود هماهنگ سازند. و سوم آنکه آن ها با نسبت دادن این طرح به لامذهبی بودن، می خواهند خود دهقانان را علیه این طرح اسلامی بسیج کنند. من به عنوان یک روحانی با تمام وجود از این طرح حمایت می کنم.

بین ترکمن و بلوچ و فارس درگیری ایجاد کنند و خون درگیری و اختلاف سبب کاهش محصول می گردد، سر - انجام بگویند تقسیم زمین باعث تشنج و کاهش محصول گردید. دوم - آنها (نفوذال - ها) می خواهند با فرستادن عمال خود به درون شورا های محلی

دهقانان روستاهای «شیخ محله جوکندان» و «خواجه کندی هشتر» خواستار ورود هیئت واگذاری زمین هستند

روستاهای کسورمان و از آن جمله به روستاهای شیخ محله جوکندان و خواجه کندی هشتر تالسن بروند و قانون اصلاحات ارضی را به اجرا در آورند. قانون باید تمام و کمال اجرا شود و قیدی که برابر اعمال فشار بزرگ مالکان بر بندهای آن بسته شده، باره گردد. اراضی بایر، اراضی که به زور و با توسل به ارتباط طاغوتی یا خانواده سفور پهلوی به دست آمده، باید هر چه زودتر تحویل دهقانان شود. در مورد این گونه زمین ها هیچ گونه درنگ و تعویق، جایز سمرده شده است. سرعکس، این اراضی از جمله آن "مناطق مساعدی است که به هنگام اعلام تعویق موقتی بند "ج"، ادامه کار هیئت های هفت نفری در آن ها ضرور و مفید دانسته شد.

دهقانان بی زمین و کم زمین روستاهای شیخ محله جوکندان و خواجه کندی هشتر تالسن، طی نامه ای، که رونوست آن برای حراید ارسال شده، خواستار ورود هیئت واگذاری زمین به روستا - اراضی شده اند. آنان در نامه خود نوشته اند:

زمینهای د کتر مستوفی فراری را به دهقانان واگذار کنید!

دهقانان بی زمین و کم زمین فرار - نواع هشتر طوالس خواستار تقسیم زمین های د کتر مستوفی، بزرگ مالک این منطقه، که اکنون شورای است، هستند. هیئت هفت نفری منطقه می - تواند سر بها به این مسئله رسیدگی کند. د کتر مستوفی در دوران رژیم طاغوت نزدیک به دوهزار هکتار از زمین های فرا - مختلف توابع هشتر طوالس را جهت "دامداری" و "کساواری" غصب کرد. این شخص با کمک فرد دیگری به کار "حکلت ترالی" نیز می پرداخت. پس از انقلاب و به سال فراد کتر مستوفی به خارج، ه هکتار از زمین های تسطیح شده اراضی او توسط "شورای واگذاری زمین استان کیلان" به دهقانان واگذار شد. هم چنین ۲۲ هکتار از زمین سز از سوی این سورا به مطور کس محصولات دیمی به روستاییان واگذار شد. با وجود این، ماسر مالک، ما مراجه به دهقانان، از آن ها خواست که هر چه زودتر از زمین ها خارج شوند، چون گویا "د کتر" باز خواهد گشت! از سوی دیگر، سربک مالک سیر تمامی دستگاه های بولدورر مخصوص حمل خوب را از محل برده است. در واقع عمال بزرگ مالک سفول ارعاب و خرابکاری هستند. هیئت هفت نفری باید به داد دهقانان برسد. جا دارد که هیئت هر چه زودتر به این امر رسیدگی کند.

"اینحانبا عده ای از کسا ورزان بی زمین و کم زمین روستاهای شیخ محله و خواجه کندی (کیلان) که افرادی محروم و مستضعف بوده که جز بازوی کار و امید بروردنار سرمایه دیگری نداریم و سال های سال زیر - سکنجه رژیم طاغوتی بودیم، با آن که خود و فرزندمان سب و رور روی زمین دیگران کار می کردیم، سمره ای از زحمت خود نمی بردیم. به لطف حق و - رهبری امام خمینی انقلاب شکوهمند اسلامیان جهت برانداجس رژیم منحوس طاغوتی و دادن حق به حق داران و از جمله زمین به دهقانان محروم روستا، سرمستکبران و کاسیسان پیروز شد و امید و انتظار ما نیز با تصویب قانون اصلاحات ارضی صد - حدان شد و به این دلگرم ندیم که بعد از اس از عمره کارمان سمره صد خواهیم بود. جهت آمدن هیئت های ۷ نفری به روستایمان لحظه شماری کردیم. چون در روستای ما نیز شخصی به نام د کتر مستوفی، که از ایادی رژیم طاغوتی پهلوی و وابستگان به شیطان بزرگ آمریکا ی جهان خوار بود و مقدار چند صد هکتار زمین های بایر را صرف کرده بود که از خوف انقلاب فراری گردید، از سال گذشته که واگذاری زمین ها به کسا ورزان مستضعف آغاز شد، ما خواهان تقسیم زمین ها بودیم و ارجحله ر میسبایی که در این دو روستا واقع است. از اسرو ما خواهان اجرای قانون آمدن هر چه زودتر هیئت های هفت نفره به روستایمان می باشیم. اگر این زمین سب کسا ورزان مستضعف تقسیم شود، برای سرح کاری بسیار مناسب خواهد بود و حتی ما حفر جاه سیه عمیق محصول فراوانی می توان برداشت نمود." به این نوشته دهقانان تالسنی باید هر چه زودتر پاسخ مثبت و عطلی داد. هیئت های واگذاری زمین به خوبی واقفند که بزرگ مالکان، به همراه سایر صدانقلابیون، در تدارک توطئه هستند و حواب سرنگونی جمهوری انقلابی اسلامی ایران را می بینند. افراد این هیئت ها به خوبی می دانند که دهقانان زحمتکس نیروی سترت مدافع و سبببیاان انقلاب هستند. پس بر اساس این آگاهی درست، باید هر چه زودتر به تمام



پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به نمایندگان بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

امروز، دوشنبه ۲۳ فوریه ۱۹۸۱ (۴ اسفند ۱۳۵۹) کنگره بیست و ششمین حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو گشایش می یابد. به مناسبت این رویداد تاریخی، پیام شادباشی از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به نمایندگان این کنگره حزب براتر ارسال گردیده است، که متن آن در زیر به چاپ می رسد.

به نمایندگان بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت رویداد تاریخی تشکیل بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، پرشورترین درویدا و صمیمانه ترین آرزوهای برادرانه خود را به شما نمایندگان این کنگره با عظمت، و توسط شما، به همه کمونیستهای شوروی، به همه خلق قهرمان شوروی تقدیم می دارد.

کنگره بیست و ششم در شرایطی برگزار می شود که زحمتکشان کشور زادگاه اکبر کبیر، زیر رهبری ستاد لنینی خود - کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، با اجرای قراردادهای کنگره بیست و پنجم حزب، در کلیه شئون سیاسی، اقتصادی، فنی، فرهنگی و علمی و در پیکار خستگی ناپذیر برای حفظ صلح جهانی و استقلال و آزادی خلقها، به دستاوردهای درخشان تازه ای رسیده و در راه ایجاد بنیاد مادی - فنی کمونیسم گام بلند دیگری به پیش برداشته اند. کنگره های حزب کمونیست اتحاد شوروی، از هنگام بنیادگذاری این حزب، همیشه اهمیت جهانی - تاریخی داشته اند و دارند. قراردادهای کنگره های حزب کمونیست اتحاد شوروی نه تنها در زندگی خلق های شوروی، بلکه در سرنوشت همه خلق های کیتی، در پیشرفت جنبش های انقلابی کارگری و آزادیبخش ملی، در سیر تحول سراسر زندگی بین المللی، تأثیر انکارناپذیر پخشیده اند.

کنگره حاضر، که باتکیه بر قدرت عظیم مادی و معنوی ناشی از دستاوردهای دهمین برنامه پنجساله رشد اقتصاد ملی اتحاد شوروی، به کار می پردازد و رهنمودهای اصولی یازدهمین برنامه پنجساله را تعیین و استراتژی

اقتصادی حزب را برای یک دوران طولانی تر تدقیق می کند، بی شک مرحله تازه ای برای نیل به کامیابی های بزرگتر آغاز خواهد نهاد.

پیشرفت سریع و بی سابقه اتحاد شوروی - نخستین کشور سوسیالیستی جهان، در همه عرصه های حیات مادی و معنوی خلق، بهترین نشانگر برتری های نظام سوسیالیسم و توان سازندگی این جامعه نوین بر نظام ضد بشری سرمایه داری محکوم تاریخ است. کشور زادگاه لنین بزرگ، در پرتو وفاداری بی خدشه به اصول مارکسیسم - لنینیسم و کاربرد خلاق و تکامل بی وقفه تئوری مارکسیستی، راهنمایی است برای همه جنبشهای انقلابی آزادیبخش جهان و همه خلق های از بندرسته ای که در راه استقلال واقعی، آزادی، پیشرفت اجتماعی و عدالت اجتماعی، علیه امپریالیسم جهانی مبارزه می کنند.

دستاوردهای جامعه سوسیالیستی رشد یافته در افکار توده های زحمتکش جهان تحول بنیادی ایجاد کرده اند. این دستاوردها اکنون به معیاری بدل شده اند که پیشرفت اجتماعی هر کشوری را در قیاس با آنها می سنجند. همین تحول در افکار توده های جامعه است که نیروهای تاریک اندیش امپریالیسم و ارتجاع جهانی را بیش از هر زمان دیگری به هراس انداخته و موج تازه ای از هیستری و افتراءات موزیانه دستگاه تبلیغات بورژوازی را علیه سوسیالیسم جهانی موجب شده است. در این کارزار، انواع عناصر ضد کمونیست، ضد شوروی، شبه - مارکسیستی، به ویژه مائوئیستها و نیز «رادیکالهای چپ نما» که با تشویر ساخته های مبتذل موسسات ضد کمونیستی امپریالیسم به میدان می آیند، در یک جبهه عمل می کنند. این تلاشها تا زکی ندارند. دهها سال است که دشمنان سوسیالیسم، همه ساله و همواره، شیوه ها و وسایل تازه ای را برای تضعیف نیروی جاذبه اندیشه های سوسیالیسم و بی اعتبار ساختن دژ نیرومند صلح جهانی - کشور زادگاه اکبر بزرگ - به کار می برند. ولی علیرغم این تلاشها، اتحاد شوروی و مجموع جامعه

متحد کشورهای سوسیالیستی، در پرتو پیشرفت شگرف خود در همه عرصه های زندگی، روز به روز به نیروی پرتوان تری در دفاع از منافع حیاتی خلق های زیرستم در قبال تجاوزها، تهدیدها و توطئه های امپریالیسم تبدیل می شوند.

اندیشه ها و دستاوردهای تاریخی اکبر، سیاست اتحاد شوروی در عرصه جهانی، اقتدار روزافزون مجموع جامعه متحد کشورهای سوسیالیستی و پشتیبانی موثر و صادقانه آنها از خلق های رزمنده راه استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی، عامل قاطعی هستند که امکان امپریالیسم جهانخواه را برای تجاوز و صدور راهزنانه ضد - انقلاب، محدود و در مواردی غیر ممکن کرده اند.

در دوران ما، در سراسر جهان هیچ جنبش انقلابی و هیچ انقلاب مردمی پیروزمند ضد - امپریالیستی را نمی توان سراغ کرد که مستقیم یا غیر مستقیم از آرمان های اکبر، از کمک های آترناسیونالیستی و پشتیبانی موثر مادی و معنوی دولت آفریده اکبر، برخوردار شده باشد.

مردم ایران، در همان فردای پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، با پیام تاریخی لنین بزرگ به خلق های مسلمان روسیه و خاورزمین، که در آن همه قراردادهای ظالمانه تحمیلی رژیم تزاری به ایران ملغی اعلام شد، تأثیرات حیاتی بخش این پشتیبانی نیرومند را زودتر از خلق های دیگر جهان احساس کردند.

این پشتیبانی در تمام دوران موجودیت اتحاد شوروی، در مناسباتش با خلق های ایران و با جنبش انقلابی مردم ایران پیوسته و پیگیر ادامه داشته است. نمونه درخشان این پشتیبانی اتحاد شوروی را مردم ما در روزهای انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی ایران، به رهبری امام خمینی، مشاهده کردند. در آن لحظات حساس که انقلاب ایران در قبال نقشه های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا با خطر جدی روبرو شده بود، لئونید برژنف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، با قاطعیت تمام به پشتیبانی از ایران انقلابی برخاست و در مصاحبه

مشهور خود، خطاب به نیروهای امپریالیستی جهان و در راس آنها امپریالیسم تجاوزگر آمریکا، اعلام کرد که، اتحاد شوروی «باهرگونه مداخله در امور داخلی ایران، از جانب هر کس، به هر شکل و تحت هر عنوان که باشد، مخالف است».

اتحاد شوروی بر آن است که «حوادث ایران جنبه کاملاً داخلی دارد و مسائل مربوط به این حوادث را خود مردم ایران باید حل و فصل کنند».

دشمنان جمهوری اسلامی ایران بیبوده می گویند مناسبات میان ایران انقلابی و کشورزادگاه انقلاب اکبر را تیره سازند. تجربه تاریخی به مردم ایران آموخته است که هر وقت روابط میان ایران و اتحاد شوروی تیره بوده، زمینه برای اجرای نقشه های تجاوزگرانه و فعالیت غارتگرانه راهزنان امپریالیست هموار بوده است.

بی جهت نبود که اقدام ردیانه چندین پیش مشتکی عناصر تبهکار، به گرداندگی عناصر ضد انقلابی و مائوئیست، برای حمله به سفارت اتحاد شوروی در تهران، که با قصد آشکار تیره کردن مناسبات ایران و شوروی انجام گرفت، با استقبال وسیع محافل امپریالیستی سراسر جهان روبرو شد. مردم ایران این عمل را شدیداً محکوم کردند.

سیاست اتحاد شوروی نسبت به ایران انقلابی ضد امپریالیستی، سیاست یک متحد طبیعی است، سیاست نیکخواهانه و دوستانه است، سیاست فارغ از هرگونه شائبه

غرض است، و مردم ایران بحق خواستار آنند که از امکانات عظیم مادی و معنوی این کشور دوست برای اثربخش تر کردن پیکار عادلانه آنها علیه امپریالیسم، برای تسریع انقلاب و پیشرفت آن در همه ابعاد، بهره گیری لازم به عمل آید.

حزب توده ایران همیشه اعلام کرده است که دشمن اصلی انقلاب ایران امپریالیسم آمریکاست، که لحظه ای از توطئه و نقشه کشی برای سرکوب انقلاب و احیای تسلط دوزخی خود بر مین مافارغ نیست، و مقابله با توطئه ها و عقیم گذاشتن نقشه های تجاوزکارانه چنین دشمن غداری، فقط به نیروی جبهه متحد خلق میسر خواهد بود. کمپادادن به ضرورت مبرم تشکیل این جبهه، دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را با خطر مهلک روبرو میسازد.

رفقای عزیز نماینده کنگره! در این روزهای تاریخی، که کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی برادر، به تدوین و تصویب قراردادهای تاریخی و رهنمودهای برنامه جدید رشد اقتصادی کشور مشغولست، ما کارمربخش شما و کامیابی های هر چه بیشتر شما و همه زحمتکشان شوروی را در تحقق پیروزمندانه این قرارها و این برنامه با عظمت، برای گسترش بازم بیشتر ساختمان سوسیالیسم رشد یافته و ایجاد بنیاد مادی و فنی کمونیسم، برای مبارزه در راه صلح جهانی، آزادی، برابری واقعی و نیکی بخش سراسر جامعه زحمتکش بشری، صمیمانه آرزو مندیم.

با درود برادرانه کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول - نورالدین کیانوری

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفقای گرامی!

بانهایت سیاستگزاری از دعوت شما برای شرکت در کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی، بعزت محدودیت هایی، که در زمینه خروج از کشور پدید آمده است، متأسفانه فرستادن نمایندگان به آن کنگره، تا این لحظه، ممکن نیست. از این جهت به پیام شادباشی به کنگره بیست و ششم حزب شما اکتفا میورزیم و موفقیت این گردهم آیی تاریخی را از صمیم قلب خواهانیم.

با دروهای رفیقانه کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول - نورالدین کیانوری دوم اسفند ۱۳۵۹

مذاکره...

بقیه از صفحه ۳ در واقع ما خود بصورت عاملی در خواهیم آمد که باعث بقاء نیروهای شوروی در افغانستان است، یعنی در قلب مقابل خواست خود عمل کرده ایم، مفهوم شده!

از طرف دیگر، واقعیت اینستکه، جمهوری دموکراتیک افغانستان، مانند جمهوری اسلامی ایران، در برابر خصومت امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا قرار گرفته است؛ هر دو کشور خواستار استقلال واقعی خود هستند؛ هر دو کشور درصدد توسعه و نو سازی کشور بسود زحمتکشان و مستضعفان هستند؛ هر دو کشور در جبهه ضد امپریالیستی قرار گرفته اند. بنابراین، هر دو کشور طبعاً دوست یکدیگرند و باید دوست یکدیگر باشند. با مذاکره میتوان اختلافاتی را، که اجنانه بین دو کشور موجود است، از طریق مسالمت آمیز و با حسن نیت حل کرد و بجای خصومت و ناسازگاری، دوستی و سازگاری بین دو کشور برقرار نمود. این بداست؟! و نیز مذاکراتی که منجر به قطع مذاکرات مسلحانه خارجی در افغانستان گردد، مسئله دیگری

را نیز روشن خواهد کرد. بین دولت افغانستان و دولت شوروی قراردادی وجود دارد، و هر دو کشور اعلام کرده اند که بر اساس این قرارداد و بنابه درخواست دولت افغانستان، نیروی مسلح شوروی برای رفع خطر تهاجم نظامی خارجی به افغانستان، وارد این کشور شده است.

برخیها این واقعیت را با دیده تردید می - نگرند و شوروی را اشتغالگری میدانند که نظیر آمریکا کشوری را بقره مورد تجاوز قرار داده است. بسیار خوب! اگر مذاکرات ثمربخشی انجام گیرد که استقلال، تمامیت ارضی و امنیت افغانستان را تامین و تضمین کند، معلوم خواهد شد که آیا شوروی نیروهای خود را از افغانستان خارج خواهد کرد یا نه. اگر خارج کرد، آنگاه معلوم خواهد شد که شوروی اشتغالگر نیست، بلکه بعنوان کشوری حامی مبارزه آزادیبخش ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه خلق افغانستان وارد این کشور شده و تردیدها در مورد هدف سیاست شوروی نسبت به افغانستان از بین خواهد رفت. این بنظر میرسد (از لحاظ کشورها) محبترین نتیجه مذاکرات ثمربخشی با افغانستان خواهد بود، که طرفدار انجام آن هستیم.

بدانلی که بر شمردیم، ما با مذاکره بین

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دموکراتیک افغانستان موافقیم.

بدون اطلاع امام خمینی

بگذریم و برویم بر سر دیگر مطالبی که لیرالها برای تیره خود عنوان کرده اند.

در مقاله مورد بحث، مبرانه بر این معنی تکیه شده است که، قبل از مذاکره با برژنسکی موضوع قطع رابطه سیاسی با آمریکا مطرح نبوده است و نتیجه گرفته می شود که، بنابراین مذاکره با برژنسکی بلا مانع بوده است!

در واقع مطلب جالب است. انکار مسئله مذاکرات محرمانه با برژنسکی، مربوط به مسئله رابطه یا قطع رابطه سیاسی با آمریکا بوده است. مذاکره محرمانه با برژنسکی، شیوه انجام و محتوای آن و هدف آن، چه ربطی به مسئله رابطه یا قطع رابطه ای دارد، که اساساً مدتی پس از این مذاکره، پس از تصرف لانه جاسوسی آمریکا مطرح و اجرا شد.

جالب تر اینکه، در مقاله به صراحت اعتراف شده است که «این ملاقات بدون اطلاع و اذن امام بوده است».

و سپس برای تیره و توجیه این «بهناتکاری»

ادعا شده است که: «تا آزمون سابقه نداشت که دولت پیشنهاد مذاکرات خود را بانظر دیپلمات خارجی و یا با کاردار سفارت آمریکا را با اطلاع امام برسانند» و آنگاه در اثبات این دعوی، مثال می آورد و می نویسد: «منجمله مسئله ملاقات و مذاکره وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی با سایروس ونس... در حالیکه نه دولت و نه شورای انقلاب و نه رهبری در این مورد، یعنی درخواست وزیر خارجه آمریکا برای ملاقات و انجام آن نظر مخالفی ابراز نداشته و بلکه رهنمودهائی هم داده اند».

یعنی اعتراف میکند که این ملاقات قبلاً درخواست شده بود و شورای انقلاب و امام خمینی نیز نه تنها از آن اطلاع داشته اند، بلکه امام خمینی رهنمودهائی هم داده اند.

ما تا اکنون همه نوع «دفاع» دیده بودیم و اما این نوع «دفاع» را ندیده بودیم که، در اثبات یک دعوی، سندی در اثبات رد آن دعوی از طرف خود مدعی ارائه شود!

مثال دیگری که در مقاله آمده، عزیمت رمزی کلارک بسوی ایران برای انجام مذاکراتی بقصد آزادی «کروگانها» است، که به «تصویب شورای انقلاب» رسیده بود (شورائی که ۱۰ نفر

بقیه در صفحه ۷

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان، ضمن سخنانی، از اینکه آمریکا تحت لوای «آزادی» و «حقوق بشر» و «مبارزه با دیکتاتوری» و حتی تحت نام جمهوری اسلامی و بنام مذهب، باز بر ایران حاکم شود، اظهار نگرانی کرد.

در ابتدای این جلسه، علی‌اکبر مهین‌فر، در تعلق پیش از دستور خود، از لایحه «بازسازی نیروی انسانی» به شدت انتقاد کرد و تذکراتی درباره بودجه سال ۱۳۶۰ داد.

سپس حجت‌الاسلام علی‌اکبر ناطق نوری، نماینده تهران و نماینده امام در «جهاد سازندگی» سخن گفت. وی ضمن اشاره به مسائل و مشکلات مربوط به جنگ، اظهار داشت که بدلیل توصیه امام خمینی، فعلا در این مورد صحبتی نمی‌کند.

حجت‌الاسلام ناطق نوری گفت: «آنچه ما را نگران می‌کند، اینست که، باز مجدداً آمریکا، که با قیمت خون ۴۵ هزار شهید ما و بیش از صد هزار معلول و مصدوم از در یرون رانده شده، از دریچه برگردد و خطر صدها مشروعیت ما را تهدید می‌کند. ما نگران آن هستیم که آمریکا باز بنام «آزادی» و تحت نام «حقوق بشر» و تحت لوای «مبارزه با دیکتاتوری» و «بهر حال به عنوانی مختلف وارد این مملکت شود. و حتی تحت نام جمهوری اسلامی و بنام مذهب باز سر و کلاهش در این سرزمین پیدا شود.»

حجت‌الاسلام ناطق نوری سپس گفت: «آمریکائی که در همه جبهه‌ها شکست خورده، از اولین حرکتش بعد از پیروزی انقلاب تا آخرین برنامه‌ای را که بتوان جنگ تحمیلی مطرح کرده، شکست خورده، از طریق دیگری وارد شده، که آن بنظر من خطرناکترین راه است. به نظر

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی گفته شد:

مانگران این هستیم که آمریکایناوین مختلف، از دریچه باز گردد

* چرا وقتی امام امید می‌دهد، ما مردم را مایوس می‌کنیم؟

* مجلس شورای اسلامی طرفدار آزادی همه محرومان جهان است.

من اگر ما کمترین غفلتی از خود نشان دهیم، آمریکا از آن طریق پیروز می‌شود و آن مسئله تفرقه افکنی و ایجاد یاس و ناامیدی در مردم و آنها را بی تفاوت کردن است. همچنین نکات مثبت انقلاب را توسط مزدوران و ایادی‌اش و یا جمعی که امکان دارد ناخودآگاه در خدمت آمریکا باشند و افرادی که آگاهانه آب در آسیاب او می‌ریزند، طوری مطرح کردن که روح یاس در جامعه ایجاد کند و مردم را بی تفاوت کند.»

ناطق نوری سپس، ضمن اشاره به نقاط ضعف، که توسط مخالفان بزرگ جلوه داده می‌شود، خاطر نشان ساخت که این اشکالات لازمه هر حرکت و انقلاب توانی است. او گفت:

«چرا اینکه کار خوبی که انجام شد در این دو سال، نالیده گرفته می‌شود و اما یک نقطه ضعف گرفته می‌شود و گاه گوه می‌شود و بی‌اساس موضوعگیری سیاسی مطرح می‌شود؟»

حجت‌الاسلام ناطق نوری، ضمن تأکید بر اینکه انقلاب ما از ابتدا با امید حرکتی را آغاز کرد و امام خمینی در تمام پیام هایش به مردم امید می‌دهد، گفت:

«امام امید میدهد، اما ما می‌آییم مردم را مایوس می‌کنیم. این خط مایوس کننده همان خطی است که قبل از پیروزی انقلاب هم می‌گفت مگر می‌شود در آن واحد هم

کمیسیون تدوین آئین‌نامه (که ده نفر بود) اضافه شد.

پس از آن سؤال حجت‌الاسلام خلخالی از وزیر راه و ترابری، در مورد علت نیمه تمام ماندن جاده‌های اسلام آباد به ایلام، مسجد سلیمان به اهواز، جاده فومن به خلخال و میانه و تبریز، جاده کریمندی قم و اتوبان تهران - قم مطرح شد.

مهندس موسی کلاتری، وزیر راه، در پاسخ، ضمن تذکر این نکته که تمام شرکت‌های بزرگ خارجی پس از انقلاب دست از کار کشیدند، گفت:

«در اطراف زاهدان ۲ شرکت خارجی که یکی یونانی و یکی انگلیسی بود، بهر بهانه‌ای که بود، کارشان را تعطیل کردند و رفتند، با اینکه قیمت‌های خیلی خوبی هم داشتند. ولی انگلیسی‌ها بطور غیرمستقیم گفته بودند، ۶ ماه دیگر وضع معلوم نیست چه می‌شود. شاید مثلاً از جنگ عراق خبر داشتند، یا هر دلیل دیگری.»

وزیر راه سپس با ارائه آماری از راه‌های ساخته شده از سال ۵۱ تاکنون، متذکر شد که از سال ۵۷ تا دیماه ۵۹، ۲۳۳۰۰ کیلومتر راه در سراسر کشور ساخته شده است. وزیر راه همچنین از کمبود امکانات این وزارتخانه سخن گفت و یادآور شد که امکانات این وزارتخانه برای ساختن راه در کشور، سالانه تنها ۴۰ هزار کیلومتر است.

وزیر راه سپس، ضمن پاسخ دادن به سئوالات حجت‌الاسلام خلخالی، از شرکت وسیع کارکنان راه و ترابری کشور در جبهه‌های جنگ با تجاوزگران صدامی یاد کرد و متذکر شد که بسیاری از امکانات فنی راه سازی در استانهای جنگ زده کشور، در خدمت جنگ قرار دارد.

این سؤال به کمیسیون مربوطه ارجاع گردید. جلسه آینده مجلس فردا تشکیل می‌شود.

به احداث صد ها حمام، مسجد، درمانگاه، مدرسه، غسالخانه، خانه ... اشاره کرد. سپس حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، ضمن اشاره به نامه تسلیت نمایندگان سیستان و بلوچستان در مورد شهادت هفت تن از پاسداران انقلاب بدست عوامل ضد انقلاب در منطقه، گفت:

«می‌باید آن برادرانی را که در مرزها و نقاط آشوب زده پاسداری می‌کنند، تقدیر و تقویت کنیم و نه تضعیف.»

آنگاه حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی به کودکان و خانواده‌های شهدای رزمندگان فلسطین، شیعیان و مسلمانان جنوب لبنان و شهدای عراق، که به مجلس آمده بودند، اشاره کرد.

رئیس مجلس، ضمن سخنان خود، این کودکان را تجسم «حقوق عدالت و محرومیت مستضعفان» و «گواه زورگوییهای ارتجاع منطقه، چون شاه حسین و صدام در پیشانی همه آنان، بگین، که در پشت همه آنسها امپریالیسم جهانی قرار داشته خواند.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی آنگاه اطمینان داد که مجلس شورای اسلامی طرفدار آزادی همه محرومان جهان است.

سپس مجلس وارد دستور شد و بحث درباره طرح چگونگی تصویب آئین نامه داخلی مجلس ادامه یافت، و با اصلاحاتی به تصویب رسید. بر اساس این طرح، ۵ نفر به اعضای

با استعمار و هم با استبداد جنگیده». وی افزود: «نوشته آقایان هم هنوز هست. آن مجله‌ای که مصاحبه آقایان در آن بود، هنوز هست که معتقد بودند استعمار و استبداد را نمی‌شود با هم کنار گذاشت و سیاست امام سیاست غلطی است و امام خارج از کشور است و شرایط کشور را نمی‌داند و شاید معتقد بودند به شورای سلطنت و اینکه بختیار انتخابات آزاد بکنند.»

حجت‌الاسلام ناطق نوری، آنگاه ضمن تأکید بر اینکه «هرگونه جسم‌اندازی از جانب هر دسته و هر گروهی که باشد، جدا محکوم است»، از حوادثی که در همین زمینه در شهرستانهای مختلف و در برخورد با شخصیت‌های مختلف پیش آمده است، یاد کرد و پرسید که چرا فقط حوادث مربوط به یک جریان مطرح و محکوم میشود.

ناطق نوری در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: «آقایان اگر مجلس را تضعیف کنید، اگر سپاه را تضعیف کنید، اگر ارتش را تضعیف کنید، اگر نیروهای انقلابی را تضعیف کنید... فکر می‌کنید به سود چه کسی کار کرده‌اید؟ جز اینکه ملت را مایوس و آمریکا را امیدوار می‌کنید.»

ناطق نوری، که نماینده امام در چهار سازندگی نیز هست، در پایان آماری از کارهای جهاد سازندگی در ۱۹ ماهه تا پیش از به اطلاع نمایندگان رساند. وی از جمله

جبهه‌ای، ضدوچالی، ضدکمیتی» است. این عناوین را باید بدور ریخت. عنوانی که بکار بستن آنها مجاز است فقط «توده - نقتی»، «روس‌نامه مردم»، «ستون پنجم روسیه»، «کمونیستی» (به هر عمل ضدامپریالیستی، ضدثووالی و ضدکلان سرمایه داری) و از این قبیل است که رهبر «نهفت آزادی» (آزادی فقط برای سرمایه‌داران بزرگ و فتودالها) از همان روز جلوس بر کرسی قدرت حاکمه، در آئین «آزاد یخواهی» ضد آزادی خود بکار برده و تاکنون نیز از زبانش نیفتاده است. ضمناً لیبرال‌ها، خیلی رتوف و مهربان است، منتها نسبت به «هر صاحب نام و نشان باقی مانده از گذشته». او سیاه روی سفید می‌نویسد: «آیا زندانیهای بیچاره، که هر یکی و پیر شده‌اند، موقتی رسیده است که آزاد شوند؟ مثلاً سبید با تمام قلیح پیر و بیچاره، که فقط در کودتای ۲۸ مرداد مهره فعال بوده و در دوران «علیحضرت» فقط و فقط (!!) توده‌ای کسی میکرده و یا شیخ الاسلامزاده، که وزیر طاغوت و صاحب نام و نشان بوده، و یا ساواکی‌هایی که در ظرف کمتر از دو سال، در زندان جیر شده‌اند را نباید آزاد کرد؟ اینها هم جزء «مردم» اند!

مرتکبین همه این فجایع «تندروان نورسیده و انصاف‌گران» اند که «انقلاب اسلامی ایران را مانند سرازیر شدن قاتر و تیمور بسوزین ایران گرفته‌اند و باید کنار بروند، نسا یک دولت «عائل و معتدل و میانه‌رو» از نوع «دولت موقت» روی کار آید، تا این «تندروان نورسیده» و آن «جلادان خونخوار و غارتگر و شیخون‌زن» و نیز البته «توده‌ایها» را بدست آن «بیچاره‌های نكازه از زندان آزاد شده» بسازد، «مردم» کمیارتنداز «فتودالها» سرمایه‌داران و همه صاحبان نام و نشان باقی مانده از گذشته» را مورد رحمت قرار دهد، و هم‌چنین سر جای اول خود قرار گیرد.

چنین است چهره سیاسی بی‌روتوش لیبرالها و چنین است هدف سیاست و فعالیت سیاسی آنها. در راه این مقصود است که «میتران» به تخاصم‌زدن به حلیم ناراضی‌ها و به نشر سلسله مقالات «آزادی گروگانها» ادامه میدهد.

با اینهمه آیا باز هم نیازی است که پروتکل مذاکرات محرمانه با پروژیسکی انتشار یابد؟ آری!

مذاکرات محرمانه با پروژیسکی انتشار یابد؟ آری!

زیادند و پیچوجه اختصاصی به طاغوتی‌ها و ساواکی‌ها و تحریک شده‌های دشمنان ندارند. پس از اینکه شما فهمیدید که دوستان انقلاب نیز میتوانند مانند «طاغوتی‌ها و ساواکی‌ها» حلیم ناراضی‌ها را بهم بزنند و جزء «فحش‌بده‌ها» باشند، آنگاه میردازد به انجام «کار اول»!

می‌نویسد: «شکایات انواع مختلف دارد. مقدار کمی از آنها از کشته شدن گسانشان در جبهه‌های جنگ و از بیکاری و گرسنگی گران و از سختیهای طبیعی انقلاب است... حتی شکایات و اعتراض به اینکه چرا اختلال در اداره و در فرماندهی جنگ میشود، دارند». اما قسمت عمده شکایات از دیدگاه گریه‌باست، که انقلاب و اسلام را بصورت جلاد خونخوار، غارتگر و شیخون زن، یا یگانه مهاجم در آورده است!

این جلادان خونخوار و غارتگر و شیخون‌زن کیانند؟ آنهایی که بعقیده مهندس بازرگان «با چهره انضمامی و مایه و مبارزه با فتودالها و سرمایه‌داران... به یک تیر سه نشان میزنند: یقیناً کردن برنامه‌های مارکسیستی، ناراضی‌تراشی و ضد انقلاب و ضد اسلام سازی... ازین بردن بنیه اقتصادی کشور و مردم، یعنی آمادگی برای بلعیده شدن از طرف ابرقدرتها».

پس برای اینکه برنامه «مارکسیستی» پیاده نشود، ناراضی‌تراشی نشود و بنیه اقتصادی کشور «مردم» از بین برود، باید از «مبارزه با فتودالها و سرمایه‌داران» دست کشید و این، به نظر نویسنده راه دفع خطر «بلعیده شدن از طرف ابرقدرتها» است، به همانگونه که در زمان شاه ملوم بلعیده نشده بود!

رئیس دولت موقت، که از ابتدا بمنزوان مخالفت با «تخریب» با پاکسازی دستگاه دولتی بازمانده از طاغوت مخالف بود، اینک دیگر مخالفت خود را با «لا یحه» پیشنهادی دولت چنین بیان میکند: «اگر قشون مغول هم به مملکت حمله کرده بود، اینطور در پی تازماز کردن مردم (!) بومی نمی‌افتاد. همچنین پاگرانی و بخاک سیاه نشاندن هر صاحب نام و نشان باقی مانده از گذشته».

بدینسان، در مفهوم «مردم»، که مورد شیخون جلادان و قشون مغول (دولت) قرار گرفته‌اند، غیر از فتودالها و سرمایه‌داران، کارمندان طاغوتی و «هر صاحب نام و نشان باقی مانده از گذشته»، قرار نمی‌گیرند.

دو حال خارج نیست: یا مذاکرات محرمانه با پروژیسکی، برخلاف قاعده عمومی و تخلف‌ناپذیر مذاکرات رسمی، بدون پروتکل و ثبت مذاکرات انجام گرفته، که در این صورت این مذاکرات نمی‌توانستند است چیزی باشد جز زدوبند دولت آمریکا با کسانی که از انقلاب ایران «پشیمان» بودند و می‌خواستند آب رفته را به جوی بازگردانند. یا نه، این مذاکرات دارای پروتکل است و مذاکرات ثبت شده، و در این صورت مدعیان انجام عمل در راه «صلاح ملت و انقلاب» باید آنرا عیناً منتشر کنند، تا «با صراحت حقایق را به مردم» گفته باشند و صحت ادعای خود را اثبات کنند.

چهره سیاسی لیبرالها

ولی چهره سیاسی لیبرالها، که بلافاصله بعد از انقلاب «پشیمان» شدند و اکنون دیگر با انقلاب مخالف و «جاده صاف‌کن» ضدانقلاب و بازگشت امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا شده‌اند، بقدر کافی روشن است و برای روشتر کردن آن شاید احتیاج چندانی به پروتکل مذاکرات محرمانه با پروژیسکی نباشد.

این چهره را بوضوح میتوان در آئینه مقاله‌ای دید که بقلم مهندس بازرگان و با مضامین ایشان زیر عنوان «دریابنده» برشته تصدیق شده و در روزنامه «میزان» شماره نهم بهمن‌ماه ۵۹ انتشار یافته است. این چهره بی‌روتوش است. به آن بنگریم.

در آغاز مقال می‌نویسد: امام در اجتماع اخیر نمایندگان مجلس، که برای تبریک میلاد رسول اکرم و امام‌صادق علیهما السلام رفته بودند، تأکید فرمودند که «مردم را امیدوار سازید».

و ایشان بسبب خودشان قلم بدست می‌گیرند و مردم را «امیدوار» می‌سازند که انقلاب اسلامی ایران از هجوم مغول و قاتر و تیمور بدتر است! ابتدا می‌نویسد که: امیدوار کردن دو مرحله دارد: (۱) از ناراضی و ناامیدی در آوردن (۲) دلگرم کردن و امیدوار کردن...»

سپس می‌نویسد: «من میخواهم کار اول را بکنم» و اظهار عقیده میکند که: با انجام کار اول «به مرحله دوم شاید احتیاج نباشد». آنگاه می‌پردازد به «کار اول»، که «از ناراضی و ناامیدی در آوردن است».

ولی قبل از شروع «کار اول» ابتدا طی میکند که، هر کسی حلیم ناراضیها را بهم بزند، ضدانقلابی نیست!

مذاکره داریم تا مذاکره...

بقیه از صفحه ۶

از اعضای کابینه عضو آن بوده‌اند) ولی دولت موقت برای «سلب مسئولیت عواقب این سفر از خود»، طی بیانیه‌ای آنرا اعلام میکند و امام خمینی با انجام این مذاکرات و اصولاً ورود رمزی کلارک به ایران، مخالفت میکند.

در اینجا هم اولا اعتراف شده است که سفر نماینده آمریکا برای انجام مذاکرات با «صوب شوروی انقلاب» و نه پنهانکارانه، بوده است، و لایحه دولت موقت توجه به مسئولیت خود داشته و برای «سلب مسئولیت عواقب این سفر از خود»، بیانیه منتشر کرده است.

ولی این «سابقه» در تشکیل و انجام مذاکرات با پروژیسکی انجام نگرفته است، و بنابراین، نتیجه‌ای نمی‌توان گرفت جز اینکه، «پنهانکاری» در این مذاکرات عملی و برای رسیدن به هدفی بوده است که دولت موقت صلاح ندانسته که نه شورای انقلاب و نه امام خمینی از آن اطلاع یابند. محتوای مذاکرات چه بوده؟ پروتکل آنرا منتشر کنید!

همه اینها بکنار، در مقاله ادعا شده است که: «ما (لیبرالها) بارها گفته‌ایم و لاجرم هر کس که بعزت و توانائی و قدرت برخاسته از توحید و ایمان به خدا برخورددار باشد، آنچه را که در صلاح ملت و انقلاب ببیند، عمل میکند و از جوهر سازی و هوجبی بازی نمی‌هراسد، قاطعانه عمل میکند و با صراحت حقایق را به مردم میگوید و پنهان نمی‌کند، که اگر جز این عمل شود، عواقب فریبی و عواقب دیگری و دنیا له روی از عوامل حاکم میگرد که آن فاجعه است برای انقلاب. دولت موقت چنین عمل کرده.

در دورانی که از کنگره بیست و پنجم حزب کمونیست اتحاد شوروی میگذرد، خلق شوروی، زیر رهبری آزموده حزب لنینی خود، به دستاوردهای شگرفی در زمینه ایجاد پایه مادی - فنی کمونیسم و افزایش بهره‌وری مردم شوروی نایل شده است.

بازتاب بسیاری از این دستاوردها را در سند «راستاهای عمده روند اقتصادی - اجتماعی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۱ و تا سال ۱۹۹۰» می‌یابیم، که بعنوان یکی از اسناد اساسی، مورد بررسی کنگره بیست و ششم قرار خواهد گرفت.

برپایه این سند، در سالهای ۱۹۸۰-۱۹۷۶، در اتحاد شوروی:

**به مناسبت
برگزاری کنگره
بیست و ششم
حزب
کمونیست
اتحاد شوروی**

**دستاوردهای بزرگ
اتحاد شوروی**

(در دوران بین کنگره ۲۶ و ۲۵ حزب کمونیست اتحاد شوروی)

سرمایه‌گذاری را در اقتصاد ملی تشکیل میدهد. در این مدت ۱٫۸ میلیون تراکتور، ۱٫۳ میلیون کامیون، ۵۴۰ هزار کمباین و ۴۰۰ میلیون تن کود کانی به کشاورزی واگذار شد. ضریب تجزیه انرژی در کشاورزی (نسبت مجموع مصرف انرژی به شماره کارگران کشاورزی) ۴۰ درصد بالا رفت. میانگین برداشت سالیانه غلات نخستین بار به ۲۰۰ میلیون تن رسید.

★ در اقتصاد ملی ۶۳۵ میلیارد روپل سرمایه‌گذاری شد. صندوق پایه (اصطلاح سوسیالیستی معادل سرمایه ثابت) در شیوه تولید سرمایه‌داری ۴۰ درصد افزایش یافت.

★ بارآوری کار اجتماعی ۱۷ درصد بالا رفت. اقتصاد شوروی ۷۵ درصد افزایش تولید صنعتی، ۱۰۰ درصد تولید کشاورزی و ۹۰ درصد تولید رشته ساختمان و موتاز را مدیون افزایش بارآوری کار اجتماعی بوده است.

★ گامهای بزرگی در راه بالابردن سطح زندگی برداشته شد. در مقایسه با برنامه پنج ساله نهم، ۳۲۹ میلیارد روپل بیشتر از منبع درآمد ملی برای پیشبرد این هدف بکار رفت.

★ درآمد واقعی سرانه ۱۷ درصد بالا رفت. میانگین دستمزدهای کارگران و کارمندان بیش از ۱۵ درصد و درآمد دهقانان تعاونی ۲۶ درصد افزایش

★ در مقایسه با برنامه پنجساله نهم، درآمد ملی ۴۰۰ میلیارد روپل افزایش یافت. چهارمجموع درآمد ملی به مصارف مستقیم اهالی، خانه‌سازی و ایجاد تسهیلات اجتماعی و فرهنگی تخصیص داده شد.

★ تولید صنعتی به میزان ۷۱۷ هزار میلیون روپل فزونی گرفت. بیش از ۱۲۰۰ پنگاه بزرگ صنعتی احداث شد.

★ تولید کشاورزی ۵۰ هزار میلیون روپل افزایش یافت. در کشاورزی بیش از ۱۷۰ میلیارد روپل سرمایه‌گذاری شد، که ۲۷ درصد مجموع

یافت.

★ صندوق مصرف اجتماعی، که آموزش، بهداشت، بازنشستگی و دیگر مزایای اجتماعی رایگان از منبع آن تامین میشود به ۵۷۲ میلیارد روپل رسید. پرداختها و کمک‌هزینه‌های سرانه از بابت صندوق مصرف اجتماعی از ۳۵۴ روپل در سال ۱۹۷۵ به ۴۳۸ روپل در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت.

★ در خانه‌سازی ۸۷۲ میلیارد روپل سرمایه‌گذاری شد و ۵۳۰ میلیون متر مربع زمین را دربر گرفت. شرایط زندگی ۵۰ میلیون شهروند شوروی بهبود پذیرفت. در حدود ۸۰ درصد سکنه شهرها اینک در خانه‌های جداگانه زندگی میکنند.

★ حجم جزئی‌فروشی ۲۴ درصد و خدمات روزمره ۴۳ درصد گسترش یافت.

★ آموزش متوسطه همگانی تحقق پذیرفت. دوازده میلیون و نیم نوجوان به حرفه‌آموزی مشغول بودند. در مدارس عالی و متوسطه تخصصی ۱۰ میلیون متخصص آموزش یافتند.

★ در زمینه بهداشتی و بزمیستی، شماره پزشکان از ۸۳۴ هزار در سال ۱۹۷۵ به ۱ میلیون در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت. در همین مدت، شماره تختخوابهای بیمارستان به نسبت هر هزار شهروند از ۱۱۸ به ۱۲۵ رسید.

**کمک مالی به
حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!**

از پول قلب صمد و اولدوز از قروه کردستان ۳۰۰۰ ریال
ناهدت ۵۰۰۰ ریال
کمال ن ۲۰۰۰ ریال
هوادران حزب در حسین آباد ۱۰۰۰۰ ریال
امین. دانش آموز خردسال (پسا) فروش دفترچه) ۲۵۰ ریال
نمکی، از شیراز ۲۰۰۰۰ ریال
ح. ج. ا. جالوس ۱۰۰۰۰ ریال

**درگیری و تشنج در قزوین
در دومین سالگرد انقلاب**

عدمای ناشناس عصر روز ۲۱ بهمن ماه سال جاری، به منظور ایجاد درگیری، به نمایشگاه‌هایی که به مناسبت دومین سالگرد انقلاب در نقاط مختلف شهر قزوین برپا شده بود، حمله کردند. آنها ابتدا به نمایشگاهی که توسط کانون دانش‌آموزان ایران برپا شده بود، حمله کردند، ولی هتیار مسئولین این نمایشگاه، مانع از ایجاد درگیری شد. این عده سپس به نمایشگاه «مجاهدین خلق» حمله کردند، که متأسفانه بدنبال واکنش نادرست «مجاهدین»، درگیری بوجود آمد و منجر به درهم‌ریختن نمایشگاه «مجاهدین» گردید. در حین درگیری یک تیر نیز شلیک شد که طرفین، شلیک آن را به یکدیگر نسبت دادند. سپس درگیری به خیابان خیام، که در آنجا «مجاهدین خلق» نمایشگاه و بساط دیگری داشتند، کشیده شد. در این خیابان هوادران حزب توده ایران و هوادران فدائیان خلق (اکثریت) نیز نمایشگاه داشتند و آذین‌بندی کرده بودند، که بسا هتیار مسئولین نمایشگاه، از درگیری

در روز ۲۲ بهمن نیز، پس از پایان سخنرانی مهین بازرگان، سید محمد ابوترابی مردم را دعوت کرد که علیه «گروه‌هایی که دیروز شلوغ کرده‌اند»، تا دیویری دانشگاه (واقع در خیابان خیام) راه‌پیمائی کنند. این راه‌پیمائی در سبزه میدان، به تحریک عده‌ای، به درگیری با هوادران «مجاهدین خلق» که مجدداً نمایشگاه برپا کرده بودند، منجر شد. سپس جمعیت تظاهرکننده بطرف دانشگاه رفتند. در این حال یک گروه بیست و پنج نفری، که از هوادران گروه‌های مائوئیستی تشکیل شده بود، شعارهای تحریک‌آمیزی علیه انقلاب می‌دادند. سید محمد ابوترابی از مردم خواست که با این افراد درگیر نشوند.

ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول به این مسأله، از آنها می‌خواهیم که بطور جدی با اعمال تحریک‌آمیز کسانی که به ایجاد تشنج و درگیری می‌پردازند مقابله کنند.



**گشایش بیست و ششمین کنگره
حزب کمونیست اتحاد شوروی**

امروز بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو گشایش می‌یابد. در فاصله میان کنگره ۲۵ در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۴) تا کنگره ۲۶، یک میلیون و هفتصد هزار نفر به شمار اعضای حزب کمونیست اتحاد شوروی افزوده شده است. سه پنجم اعضای جدید حزب را کارگران تشکیل میدهند.

در کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی، هیئتهای نمایندگی از ۱۰۰ حزب کمونیست و کارگری و جنبشهای جهانی بخشی ملی از سراسر جهان بعنوان میهمان شرکت دارند. اظهار نظر میهمانان شرکت‌کننده در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

سیلوا، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سری‌لانکا، که در راس هیئت نمایندگی این حزب در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت دارد، در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت:

«سیاست خارجی دولت شوروی به استحکام مبانی صلح کمک میکند. افزایش توان اقتصادی اتحاد شوروی، برای کمکهای اقتصادی وسیعتر به کشورهای در حال توسعه، امکانات بیشتری بوجود می‌آورد. قدرت اقتصادی اتحاد شوروی موجب استحکام و پایداری صلح جهانی است.»

پاتریک اکلنی، صدر حزب سوسیالیست استرالیا، اظهار داشت: «پیشرفتهای اقتصادی در اتحاد شوروی و طرح برنامه جدید ترقیات اقتصادی این کشور، که در این کنگره بررسی خواهد شد، درستی این نظریه لنین را تأیید میکند که: سوسیالیسم برتری خود را نسبت به نظام سرمایه‌داری، مقدم بر هر چیز در زمینه اقتصادی به اثبات میرساند.»

فلورا گیس، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان طی مصاحبه‌ای در مرکز مطبوعاتی بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، طرح آمریکائی استقرار سلاح نوترونی در خاک یونان را محکوم کرد.

وی گفت: «استقرار سلاح نوترونی در خاک اروپا موجب نگرانی همه خلقهای اروپاست.»

بریک کارمل، دبیر کل حزب دمکراتیک خلق افغانستان، که در راس هیئت نمایندگی حزب و دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت میکند، طی یک مصاحبه مطبوعاتی در مسکو، در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره دورنمای عادی کردن مناسبات افغانستان با کشورهای پاکستان و ایران، تأکید کرد که دولت افغانستان در هر لحظه آماده است با مقامات دولتی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان برای عادی کردن این روابط به مذاکره بنشیند.

**تشدید توطئه‌های
آمریکا علیه کوبا**

توطئه امریالیسم آمریکاعلیه کوبای انقلابی شدت گرفته است. روزنامه‌های آمریکایی به نقل از یونایتد پرس خبر دادند که فعالیت‌های سازمانهای تروریستی کوبائی در میامی آمریکا افزایش یافته است. رهبران این سازمانها، از جمله سازمان تروریستی «آلفا - ۶۶»، اکنون آشکارا از طرح‌های چاینتکارانه خود، از جمله تهاجم نظامی به کوبا سخن می‌گویند. منابع آگاه در میامی گفتند که سازمان پلیسی «اف - بی - آی» در فعالیت‌های تازه این سازمانهای تروریستی و تامین مالی آنها و آموزش تروریستها نقش اساسی دارد.

**محاكمه همدستان
مزدور السالوادور در
دادگاه خلق‌های امریکای
لاتین**

دادگاه خلق‌های آمریکای لاتین، به محاکمه همدستان مزدور السالوادور پایان داد. دادگاه، که در مکزیکو برگزار شده بود، اعلام کرد که رژیم حاکم السالوادور به تسرور سیاسی «مشروعیت» پخشیده و افراد و گروه‌هایی را که با سیاست آن مخالفند، نابود میکند. دادگاه تأکید کرد که رژیم السالوادور به قتل عام مردم دست‌زده و از سیاست کشتار جمعی پیروی میکند و زندانیان سیاسی را تحت شکنجه قرار میدهد. دادگاه از خلق‌های آمریکای لاتین، بویژه کشورهای همسایه السالوادور، خواست تا حمایت قاطع خود را از مبارزه مردم السالوادور علیه حاکم‌دسته نظامی کشور و امریالیسم امریکا اعلام کنند.

**تولید سلاح نوترونی یا
قرارداد عدم گسترش سلاح
هسته‌ای معایرت دارد.**

ژرمان شیبیر، نماینده بوندستاگ (پارلمان جمهوری فدرال آلمان) اظهار داشت که تسوید سلاح نوترونی با مفاد قرارداد «ای-بین-۱» المللی درباره عدم گسترش سلاح هسته‌ای و منع آزمایشهای این سلاح مفاد آن را نقض می‌کند.